

# فهرست

## پایه دهم

| درس‌نامه | پاسخ‌نامه | تست |   |
|----------|-----------|-----|---|
| ۲۰۰      | ۱۲۳       | ۸   | الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: ذَاكَ هُوَ اللَّهُ                  |
| ۲۰۵      | ۱۲۵       | ۱۴  | الدَّرْسُ الثَّانِي: إِنْتُمْ مَسْئُولُونَ                |
| ۲۰۸      | ۱۲۸       | ۲۱  | الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: مَطَرُ السَّمَكَ                    |
| ۲۱۱      | ۱۳۲       | ۲۷  | الدَّرْسُ الرَّابِعُ: اتَّعَاثُ السَّلْمِيِّ              |
| ۲۱۴      | ۱۳۵       | ۳۳  | الدَّرْسُ الْخَامِسُ: ﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾              |
| ۲۱۷      | ۱۳۸       | ۳۹  | الدَّرْسُ السَّادِسُ: الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ           |
| ۲۱۹      | ۱۴۲       | ۴۵  | الدَّرْسُ السَّابِعُ: صِنَاعَةُ النَّفِطِ                 |
| ۲۲۲      | ۱۴۵       | ۵۱  | الدَّرْسُ الثَّامِنُ: يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ |

## پایه یازدهم

| درس‌نامه | پاسخ‌نامه | تست |  |
|----------|-----------|-----|--|
| ۲۲۵      | ۱۴۹       | ۵۷  | الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مَوَاعِظُ قِيَمَهُ   |
| ۲۲۸      | ۱۵۳       | ۶۲  | الدَّرْسُ الثَّانِي: صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ                  |
| ۲۳۰      | ۱۵۷       | ۶۸  | الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ  |
| ۲۳۴      | ۱۶۱       | ۷۳  | الدَّرْسُ الرَّابِعُ: تَأْثِيرُ اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ |
| ۲۳۶      | ۱۶۵       | ۷۸  | الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْأَصْدُقُ  |
| ۲۳۸      | ۱۶۹       | ۸۳  | الدَّرْسُ السَّادِسُ: إِزْحَمُوا ثَلَاثًا  |
| ۲۴۱      | ۱۷۳       | ۸۹  | الدَّرْسُ السَّابِعُ: لَا تَقْنَطُوا   |

## پایه دوازدهم

| درس‌نامه | پاسخ‌نامه | تست |   |
|----------|-----------|-----|---|
| ۲۴۴      | ۱۷۷       | ۹۴  | الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ |
| ۲۴۷      | ۱۸۱       | ۱۰۰ | الدَّرْسُ الثَّانِي: أَلْوَجْهُ التَّافِعُ وَ أَلْوَجْهُ الْمَضْرُ                                  |
| ۲۵۰      | ۱۸۶       | ۱۰۶ | الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: ثَلَاثُ قِصَصٍ قَصِيرَةٍ  |
| ۲۵۳      | ۱۹۱       | ۱۱۲ | الدَّرْسُ الرَّابِعُ: نِظَامُ الطَّبِيعَةِ  |
| ۲۵۵      | ۱۹۵       | ۱۱۸ | الدَّرْسُ الْخَامِسُ: يَا إِلَهِي   |
| ۲۵۷      | ۲۶۷       | ۲۵۹ | درک مطلب  |
| ۲۷۲      |           |     | واژه‌نامه   |
| ۲۹۲      |           |     | پاسخ‌نامه کلیدی   |



درس‌نامه این درس را  
در صفحه ۲۳۰ بخوانید

پاسخ‌نامه این درس را  
در صفحه ۱۵۷ بخوانید

# عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ أَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَأَدَوَاتُهُ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

## اللِّتْرَجَمَةُ أَوِ التَّعْرِيبُ أَوِ الْمَفْهُومُ

۶۷۹- «أَتَدْرِي لِمَاذَا لَا تَقْدُرُ أَنْ تَرَى جَنَاحِي الطَّائِرِ الطَّنَانِ؟ لِأَنَّهُ يُحْرَكُ جَنَاحِيهِ ثَمَانِينَ مَرَّةً فِي الثَّانِيَةِ!»:

- ۱) آیا می‌دانی چرا نمی‌توان بال‌های مرغ مگس را دید؟ زیرا او بال‌هایش را در هر ثانیه هشتاد بار حرکت می‌دهد!
  - ۲) آیا درک می‌کنی که برای چه نمی‌توانی بال‌های مرغ مگس را ببینی؟ چرا که او بال‌های خود را هشتاد بار در ثانیه می‌زند!
  - ۳) آیا می‌فهمد که برای چه نمی‌تواند دو بال مرغ مگس را ببیند؟ برای این‌که او در هر ثانیه بال‌هایش را بیش از هشتاد بار حرکت می‌دهد!
  - ۴) آیا می‌دانی برای چه نمی‌توانی دو بال مرغ مگس را ببینی؟ زیرا او دو بالش را هشتاد بار در ثانیه حرکت می‌دهد!
- ۶۸۰- «نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يُثْبِرُ التَّعَجُّبَ بِحَرَكَةِ مَنْ ذِيهِ الْقَوِيُّ يَطِيرُ خَمْسًا وَأَرْبَعِينَ ثَانِيَةً ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ!»:
- ۱) نوعی از ماهیان که با حرکت دم قوی‌اش باعث تعجب می‌شود در هر ثانیه چهل و پنج بار می‌پرد سپس در آب فرود می‌آید!
  - ۲) از ماهی‌ها نوعی وجود دارد که تعجب همه را برمی‌انگیزد با حرکت پابین دمش که پنجاه و چهار ثانیه پرواز می‌کند سپس در آب فرومی‌رود!
  - ۳) نوعی از ماهی‌ها تعجب را برمی‌انگیزد با حرکت دم نیرومندش که چهل و پنج ثانیه پرواز می‌کند سپس به سوی آب پایین می‌آید!
  - ۴) از ماهیان نوعی وجود دارد که با حرکت دادن پابین دمش باعث شگفتی می‌شود که پنجاه و چهار ثانیه به بالا پرواز می‌کند سپس به طرف پایین می‌آید!

۶۸۱- «يُقَدِّرُ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمِلْيَانِ!»:

- ۱) دانشمندان اقسام موجودات زنده را در دریاهای جهان به میلیون‌ها تخمین می‌زنند!
- ۲) علما انواع موجودات زنده در دریا را و در جهان به چند میلیون برآورد می‌کنند!
- ۳) انواع موجودات زنده را در دریاهای جهان دانشمندان به چند میلیون به حساب آورده‌اند!
- ۴) دانشمندان اقسام موجوداتی را که در دریاهای جهان زنده هستند به میلیون‌ها برآورد می‌کنند!

۶۸۲- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- ۱) لَهْجَاتِ الطَّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مَنطِقَةٍ إِلَى مَنطِقَةٍ أُخْرَى!؛ لهجه‌های پرندگان از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر متفاوت است!
- ۲) يَبْلُغُ طُولُ الْحَوْتِ الْأَزْرَقِ ثَلَاثِينَ مِترًا؛ طول نهنگ آبی به سی متر می‌رسد!
- ۳) يَنْقُرُ الرَّقَاقُ بَقَايَا الطَّعَامِ فِي فَمِ التَّمَسَاحِ؛ مرغ باران به باقی‌مانده غذا در دهان تمساح نوک می‌زند!
- ۴) لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ؛ او پوششی مخصوص مانند چتر دارد!

۶۸۳- «تَسْقُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقَرَشِ دَائِمًا وَ تَنْمُو أَلْفَ الْأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ مَكَانَهَا!»:

- ۱) دندان کوسه‌ماهی همواره می‌افتد و صدها دندان در یک سال جای آن را می‌گیرد!
- ۲) همواره دندان‌های کوسه می‌افتد و هزاران دندان جای آن‌ها در یک سال رشد می‌کند!
- ۳) همیشه دندان‌های کوسه‌ماهی شروع به افتادن می‌کند و به جای آن‌ها هزار دندان در یک سال می‌روید!
- ۴) دندان‌های کوسه همیشه می‌شکنند و هزاران دندان دیگر جای آن‌ها را در یک سال می‌گیرد!

۶۸۴- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- ۱) يُسَجِّلُ أَحَدَ الْمَهَاجِمِينَ هَدَفًا؛ یکی از مهاجمان گلی را ثبت می‌کند!
- ۲) لَكِنَّ الْحَكَمَ مَا قَبِيلِ الْهَدَفِ؛ اما داور گل را نپذیرفت!
- ۳) هَجَمَ الْمَهَاجِمُ الثَّانِي مَرَّةً أُخْرَى؛ دومین مهاجم بار دیگر حمله کرد!
- ۴) لَكِنْ كَانَ حَارِسَ الْمَرْمَى سَدًّا قَوِيًّا؛ در حالی که دروازه‌بان سدی نیرومند بود!

۶۸۵- «تَقِفُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ فِي الرَّمْلِ كَالْعَصَا عِنْدَمَا تَحْرِقُ الرَّمَالَ الْأَقْدَامَ!»:

- ۱) مار صحرائی همچون عصا در شن فرومی‌رود هنگامی که شن‌ها را می‌سوزاند!
- ۲) وقتی ماسه‌ها پاها را می‌سوزاند مار صحرا در ماسه مانند عصا می‌ایستد!
- ۳) در ماسه‌ها مار بیابان مانند چوب می‌ایستد زمانی که شن‌ها قدم‌ها را می‌سوزاند!
- ۴) شن‌ها وقتی که پاها را می‌سوزاند مار بیابانی مانند چوب خشکی در شن می‌ایستد!

۶۸۶- «تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ وَ مَنْ يَتَفَكَّرُ فِي الْخَلْقِ يُشَاهِدُ قُدْرَةَ اللَّهِ!»:

- ۱) در آفرینش بیندیشید و در آفریننده نیندیشید و هر کس در خلقت بیندیشد قدرت خدا را مشاهده می‌کند!
- ۲) در خلقت تفکر کنید و در آفریدگار تفکر نکنید و کسی که در خلقت خدا تفکر می‌کند نیروی خدا را مشاهده می‌کند!
- ۳) بیندیشید در خلقت و نیندیشید در آفریدگار و هر کس در آفریدگار بیندیشد عظمت خدا را می‌بیند!
- ۴) در آفرینش هستی تفکر کنید و در خالق تفکر نکنید و کسی که در آفریده الهی می‌اندیشد قدرت خدا را مشاهده می‌کند!

۶۸۷- «علینا بالذَّهابِ إلی الملعبِ قبل أن یمتلیءَ من المُتفرِّجینَ، تعالِ نذهبْ!»:

- (۱) ما باید به ورزشگاه برویم پیش از این که از تماشاگران پر شود، بیا برویم!
- (۲) بیا برویم به ورزشگاه قبل از این که از تماشاگران پر شود حتماً بیا برویم!
- (۳) پیش از این که ورزشگاه از تماشاگران پر شود باید رفت، زود باش برویم!
- (۴) ما باید تا پیش از این که ورزشگاه از تماشاچیان پر شود به آن جا برویم، زود باش بیا برویم!

۶۸۸- «عندما یأکلُ التمساحُ فَریسةً أكبرَ من فمه تُفرِّزُ عیونُهُ سائلاً كأنَّهُ دُموعٌ!»:

- (۱) وقتی تمساح طعمه‌ای را که بزرگ‌تر از دهانش است می‌خورد از چشمش مایعی بیرون می‌آید که گویی اشک است!
- (۲) هنگامی که تمساح شکاری بزرگ‌تر از دهانش را می‌خورد چشمانش مایعی را ترشح می‌کند که گویی اشک‌هایی است!
- (۳) تمساح وقتی طعمه‌ای بزرگ‌تر از دهان خود را می‌خورد چشمان او مایعی را ترشح می‌کند که مثل این که آن اشک است!
- (۴) تمساح هنگامی که شکاری بزرگ‌تر از دهانش را می‌خورد چشمان او مایعی مانند اشک را ترشح می‌کند!

(ریاضی ۹۳)

۶۸۹- «من قُتِلَ مظلوماً فقد جعلنا لولیهِ سلطاناً»:

- (۱) چنان چه کسی را مظلومانه به کشتن دهند اولیای دم وی را سلطه می‌دهیم!
- (۲) هر کس مظلومانه به قتل برسد برای صاحب خون او قدرتی قرار می‌دهیم!
- (۳) آن که قتل او مظلومانه باشد صاحب خونش را سلطنت می‌بخشیم!
- (۴) کسی که با ظلم کشته شود ولی دم او را قدرتمند ساخته‌ایم!

(کانون فرهنگی آموزش ۹۵)

۶۹۰- «إذا جاءكم أحدٌ دائماً و طلب منكم نقوداً لا تدفعوها إلیه بل علّموه طریق تحصیلها!»:

- (۱) وقتی کسی مدام نزدتان آمد و از شما پولی خواست آن را به او پرداخت نکنید بلکه راه به دست آوردن آن را به او بیاموزید!
- (۲) اگر کسی آمد و از شما پولی طلب کرد آن را به وی نپردازید بلکه همیشه پول درآوردن را به وی یاد دهید!
- (۳) هرگاه کسی پیوسته نزدتان آمد و پولی خواست به او نپردازید و راه درآوردن آن را به او آموزش دهید!
- (۴) وقتی کسی دائماً پیشتان آمد و پولی از شما طلب کرد آن را به وی نپردازید بلکه راه‌های پول درآوردن را به او یادآوری کنید!

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۶۹۱- «صَرَخَ حارِشُ المرمی و قال: من یُسجَلُ هدفاً یذهبُ إلی النّهائی!»:

- (۱) دروازه‌بان فریاد زد و گفت: هر کس گلی را ثبت کند به مرحله‌نهایی می‌رود!
- (۲) دروازه‌بان فریاد می‌زند و می‌گوید: چه کسی گل می‌زند و به مرحله‌نهایی می‌رسد؟
- (۳) دروازه‌بان فریاد زد و گفت: هر که گلی را زد به مرحله‌آخر راه یافت!
- (۴) دروازه‌بان فریادزنان گفت: هر کس گل بزند به آخرین مرحله راه خواهد یافت!

(فارغ ۹۷)

۶۹۲- «إذا تکتبتون أهدافکم علی ورقةٍ تحصلون علی ما تطلبون بسرعة عجیبة!»:

- (۱) هرگاه اهدافتان را بر کاغذ مکتوب کنید متعجبانه به آن چه می‌خواهید به سرعت می‌رسید!
- (۲) آن‌گاه که هدف‌هایتان را بر کاغذ بنویسید به آن چه خواستید با سرعتی تعجب‌آور خواهید رسید!
- (۳) هرگاه هدف‌هایتان را روی ورقه‌ای بنویسید آن چه را می‌خواهید با سرعتی عجیب به دست می‌آورید!
- (۴) اگر هدف‌هایتان را بر اوراق کاغذ مکتوب کنید آن چه را خواسته‌اید با سرعت تعجب‌آور به دست می‌آورید!

(ریاضی ۹۳)

۶۹۳- «العالمُ یقومُ بالعمل و لن یستطیع أحدٌ أن یفرَّ من هذه السُنةِ الإلهیةِ، أنتَ أيضاً إن تُدرکها تُفرَّ!»:

- (۱) دنیا با کار و فعالیت اداره می‌شود و هیچ کس از این سنت خدایی فرار نخواهد کرد تو نیز چنان چه آن را درک کنی پیروز می‌شوی!
- (۲) هستی قائم بر کار است و احدی نتوانسته است از این قانون الهی نجات یابد و تو نیز اگر درکش کردی پیروز خواهی شد!
- (۳) عالم بر کار برپاست و هیچ کس نخواهد توانست از این سنت الهی رهایی یابد تو نیز اگر آن را درک کنی رستگار می‌شوی!
- (۴) جهان بر پایه‌ کار استوار است و احدی نمی‌تواند از آن رهایی یابد، البته اگر تو آن را بفهمی رستگار خواهی شد!

(تبری ۸۳)

۶۹۴- «تستخدَمُ الأسماءُ بعضُ الأضواءِ فی جذبِ صیدها لتتغذی علیها!»:

- (۱) برخی نورها را برای صید ماهی‌ها به کار می‌بریم تا از آن‌ها تغذیه کنیم!
- (۲) ماهی‌ها بعضی پرتوها را برای فرار از صید و طعمه‌دیگران نشدن به کار می‌برند!
- (۳) ماهی‌ها برای این که طعمه‌دیگران نشوند از بعضی نورها در صید خود بهره می‌گیرند!
- (۴) ماهی‌ها برخی نورها را برای جذب صید خود به کار می‌گیرند تا از آن‌ها تغذیه کنند!

(تبری ۱۷۹)

۶۹۵- «یا أبناءَ أُمَّتنا الإسلامیةِ فی ایران، إن تَحَدُوا تَحَقَّقْ جمیعُ أهدافکم!»: ای فرزندان.....

- (۱) امت مسلمان ما در ایران، اگر متحد باشید همه‌ اهداف تحقق یابد!
- (۲) امت اسلامی ما در ایران، اگر متحد شوید تمام هدف‌هایتان تحقق می‌یابد!
- (۳) امت اسلامی ما در ایران، اگر وحدت داشته باشید تمام هدف‌هایتان را محقق می‌کنید!
- (۴) مسلمان امت ما، اگر در ایران متحد می‌شدید همه‌ هدف‌های شما تحقق یافته بود!

۶۹۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ و هر چه از کار نیک انجام دادید خدا آن را می‌داند!
- (۲) ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فِرْقَانًا﴾ اگر از خدا پروا کنید برایتان نیروی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد!
- (۳) ﴿إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ و هر گاه بی‌خردان آنان را خطاب کنند سخن آرام را جواب دادند!
- (۴) ﴿وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ هر چه را از خودتان از پیش بفرستید نزد خدا آن را می‌یابید!

(انسانی ۹۴)

۶۹۷- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) إِنَّ اسْتَشْرْتَ الْأَبْرَارَ فَلَنْ تَنْدَمَ، اِغْرَابًا بِنِيكَانٍ مَشُورَةٍ كَرِهَةٍ بُوْدِي، قَطْعًا بِشِيمَانٍ نَمِي شَدِي،
- (۲) و إِنَّ ذَقْتَ حُلُوَ الْحَيَاةِ وَ مَرَّهَا فَلَنْ تَسْتَسْلِمَ أَمَامَ الْمَصَاعِبِ، وَ اِغْرَابًا بِشِيرِينِي زَنْدِغِي وَ تَلْخِي أَنْ رَا بِجْشِي دَر مَقَابِلِ سَخْتِي هَا تَسْلِيمِ نَخَوَاهِي شَد،
- (۳) لِأَنَّ الْمَصَاعِبَ كَالنَّارِ تَقْوِي إِرَادَتَكَ، زِيْرَا سَخْتِي هَا چُون آتَشِ اِرَادَهَاتِ رَا قُوِي مِي كَنْد،
- (۴) فَالْفِشْلُ لَيْسَ نِهَايَةَ الطَّرِيقِ بَلْ هُوَ جِسْرُ الْاِنْتِصَارِ! پَسِ شَكْسَتْ پَايَانِ رَاهِ نَيْسَتْ بَلَكِهْ أَنْ پِلِ پَيْرُوْزِي اِسْت!

(تهری ۸۹)

۶۹۸- «مَنْ يُطْعِ اللَّهُ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ يَصْلِحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ أَيْضًا»:

- (۱) هر کس خدا را در هر حال مطیع باشد خدا نیز کارهای او را در دنیایش سامان می‌دهد!
- (۲) آن کس که در همه حالات مطیع خدا باشد قطعاً در دنیا خدا کارش را اصلاح می‌کند!
- (۳) کسی که در هر حالی خدا را اطاعت کند خداوند کارهای او را در دنیا اصلاح می‌کند!
- (۴) هر که در همه احوال از خدا اطاعت کند خدا هم کار دنیای او را سامان می‌دهد!

(اقتصادی انسانی قارج ۹۸)

۶۹۹- «مَنْ لَمْ يَجِدِ الْجَنَّةَ عَلَى الْأَرْضِ لَنْ يَحْصِلَ عَلَيْهَا فِي السَّمَاءِ، الْجَنَّةُ قَرِيبَةٌ مَنَّا وَ لَا وَسِيلَةَ لِلْوُصُولِ إِلَيْهَا إِلَّا الْأَعْمَالُ الْحَسَنَةُ»:

- (۱) هر کس بهشت را روی زمین نیابد آن را در آسمان نخواهد یافت، بهشت نزدیک ماست و فقط اعمال نیک وسیله رسیدن به آن است!
- (۲) کسی که بهشت روی زمین را نیافت آن را در آسمان نخواهد یافت، این بهشت در نزدیکی ماست و هیچ وسیله‌ای جز اعمال حسنه ندارد!
- (۳) هر کس بهشت روی زمین را پیدا نکرده در آسمان هم پیدا نمی‌کند، بهشت در همین نزدیکی است و تنها اعمال حسنه وسیله رسیدن به آن است!
- (۴) کسی که روی زمین بهشت را پیدا نمی‌کند آن را در آسمان هم پیدا نمی‌کند، این بهشت نزدیک ماست و جز اعمال نیک هیچ وسیله‌ای برای وصول به آن نیست!

(انسانی ۹۷)

۷۰۰- «مَنْ شَاوَرَ الْعَقْلَاءَ فِي أَمْرِ قَبْلِ أَنْ يَعْزِمَ فَقَدْ اِنْتَفَعَ!»:

- (۱) هر کس برای انجام دادن کاری با عقلا مشورت کرد پس سود برده است!
- (۲) کسی که پیش از عزم به کاری با دانایانی مشورت کرد پس او سود خواهد برد!
- (۳) کسی که با دانایان درباره امری پیش از تصمیم گرفتن مشورت کرد سود می‌برد!
- (۴) هر کس در امری با عاقلان مشورت کند قبل از این که تصمیم بگیرد سود برده است!

۷۰۱- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ الْمَفْرَدَاتِ:

- (۱) الْحَيَّةُ حَيَوَانٌ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ!
- (۲) الْجَنَاحُ عَضُوٌّ يَطِيرُ بِهِ السَّمَكُ!
- (۳) نَقَارُ الْخَشَبِ طَائِرٌ يَنْقُرُ جُدُوعَ الْأَشْجَارِ!
- (۴) الْمِظْلَّةُ أَدَاةٌ لِحَفْظِ الْإِنْسَانِ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطْرِ!

۷۰۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ الْمَفْرَدَاتِ:

- (۱) الْمَعْلَبُ: مَكَانٌ يَذْهَبُ الْمُتَفَرِّجُونَ وَ السَّيَّاحُ إِلَيْهِ!
- (۲) الْمُعَمَّرُ: الَّذِي يَعْطِيهِ اللَّهُ عَمْرًا طَوِيلًا!
- (۳) الْفَرِيقُ: جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَلْعَبِ!
- (۴) الْكِرَامَةُ: شَرَفٌ وَ عِظَمَةٌ دُونَ عِزَّةِ النَّفْسِ!

(انسانی قارج ۹۸)

۷۰۳- «هَر كَس قَبْلِ اَز سَخْنِ گَفْتَنِ بِيَنْدِيْشَدْ غَالِبًا اَز خَطَا اِيْمَنِ مِي گَرْدَد!»:

- (۱) مَنْ يَفْكَرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا غَالِبًا!
- (۲) مَنْ تَفَكَّرَ قَبْلَ أَنْ تَكَلَّمَ سَلِمَ مِنَ الْخَطَا فِي الْأَغْلَبِ!
- (۳) الَّذِي يَفْكَرُ قَبْلَ أَنْ تَكَلَّمَ قَدْ يَسْلَمُ مِنَ الْأَخْطَاءِ غَالِبًا!
- (۴) الَّذِي تَفَكَّرَ قَبْلَ الْمَكَالِمَةِ قَدْ سَلِمَ مِنَ الْخَطَا فِي الْأَغْلَبِ!

(تهری ۹۷)

۷۰۴- «هَر كَس دَر نِيكِي كَرْدَن بَه دِيگَرَانِ بَخْلِ بُوْرزِد وَ اَنْ رَا بَر خُوْد حِرَام كَنْد، اَوْ مَحْرُوم حَقِيْقِي اِسْت!»:

- (۱) إِنَّ الَّذِي يَبْخُلُ أَنْ يُحْسِنَ إِلَى الْآخِرِينَ وَ يُحْرِمَ عَلَى نَفْسِهِ فَهُوَ الْمَحْرُومُ حَقًّا!
- (۲) مَنْ بَخِلَ فِي الْإِحْسَانِ إِلَى الْآخِرِينَ وَ حَرَمَهُ عَلَى نَفْسِهِ فَهُوَ الْمَحْرُومُ الْحَقِيقِي!
- (۳) إِنَّ الْمَحْرُومَ الْحَقِيقِي مَنْ بَخِلَ وَ حَرَمَ عَلَى نَفْسِهِ الْإِحْسَانَ إِلَى الْآخِرِينَ!
- (۴) الَّذِي يَبْخُلُ الْإِحْسَانَ إِلَى الْآخِرِينَ وَ يُحْرِمُ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَهُوَ الْمَحْرُومُ حَقًّا!

(تهری ۸۳)

۷۰۵- «هَر كَسِي بَا حَقِيْقَتِ زَنْدِغِي اَشْنَا گَرْدَد، عَمْر خُوْد رَا دَر دُنْيَا تَبَاه نَمِي سَازَد!»:

- (۱) لَنْ يُضَيِّعَ الْعَمْرَ فِي دُنْيَاهُ مِنْ عَرَفَ الْحَقِيْقَةَ الْحَيَاةِ!
- (۲) مَنْ عَرَفَ حَقِيْقَةَ حَيَاتِهِ لَمْ يُضَيِّعَ الْعَمْرَ فِي الدُّنْيَا!
- (۳) مَنْ تَعَرَّفَ عَلَى حَقِيْقَةِ الْحَيَاةِ لَا يُضَيِّعُ عَمْرَهُ فِي الدُّنْيَا!
- (۴) لَا يُضَيِّعُ عَمْرَهُ فِي الدُّنْيَا مَنْ تَعَرَّفَ عَلَى الْحَقِيْقَةِ فِي الْحَيَاةِ!

(ریاضی ۹۳)

۷۰۶- «مَنْ يَتَأَمَّلُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا» عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) ﴿لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾
- (۲) سخندان پرورده پیر کهن / بیندیشد آن گه بگوید سخن
- (۳) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ!
- (۴) سخن تا نپرسند لب بسته دار / گهر نشکنی تیشه آهسته دار

(انساني ٩٥)

٧٠٧- «إِن أَرَدْتَ أَنْ تَلْحَقَ بِنَا فَاتْرُكْ نَفْسَكَ خَلْفَ الْبَابِ ثُمَّ ادْخُلْ!» عَيَّنْ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (١) درونم را به نور خود برافروز  
(٢) خدا از عابدان آن را گزیند  
(٣) ز خود برگشتن است ایزدپرستی  
(٤) نظامی، جام وصل آن گه کنی نوش
- زبانم را ثنای خود درآموز  
که در راه خدا خود را نبیند  
نـدارد روز با شب هم نشستی  
که بر یـادش کنی خود را فراموش

(هنر ٨٣)

٧٠٨- «مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي!» عَيَّنْ الْأَقْرَبَ لِمَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- (١) للحصول على العلوّ يجب الكدّ و العناء في اللبّيل فقط!  
(٢) اكتساب الدرجات العالية إنّما هو بقدر الكدّ!  
(٣) ثمرة السهر في اللبّيل اكتساب الدرجات في الآخرة!  
(٤) لا يمكن الوصول إلى العزّة إلاّ بالابتعاد عن التّوم!

## القواعد

٧٠٩- عَيَّنْ عِبَارَةً مَا جَاءَتْ فِيهَا أَدَاةُ الشَّرْطِ:

- (١) من يذهب إلى النهائي؟ من يسجّل هدفاً يذهب إلى النهائي!  
(٢) يتنقّر بقايا الطعام و عندما ينتهي من عمله يخرج بسلامة!  
(٣) فقال سغديّ: وجدتّ رائحة الوُدّ إن شممت رفااتي!  
(٤) تقف الحيّة كالعصا فإذا وقف طيرٌ عليها تصيده!

٧١٠- عَيَّنْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلْفَرَاغِ: «..... يَفْعَلُ الْخَيْرَ يَشَاهِدُهُ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!»

- (١) إنّ (٢) من (٣) إذا (٤) هل

٧١١- عَيَّنْ الْخَطَأَ:

- (١) إذا اجتهدت نجحت!  
(٢) إن تزرع خيراً تحصدى سروراً!  
(٣) إن صبرت في المشاكل حصلت على النجاح في حياتك!  
(٤) من يحاول كثيراً يصل إلى هدفه!

٧١٢- عَيَّنْ جُمْلَةً لَيْسَتْ شَرْطِيَّةً:

- (١) ما يخرج العالم من الظلمات إلى النور هو مصابيح الصباح!  
(٢) إن لم تقصّروا في أداء واجباتكم نذهب إلى الدرس الأخير!  
(٣) ما يجمع الإنسان من خير يشاهد ثمرته في النهاية!  
(٤) من سأل في صغره أجاب في كبره!

(كانون فرهنگی آموزش ٩٧)

٧١٣- فِي أَيِّ جَوَابٍ مَا جَاءَ أُسْلُوبُ الشَّرْطِ؟

- (١) من يقصد الحياة الطيبة يمتنع من التكاثر!  
(٢) ما تتعلّموا في المدارس يساعدكم في الحياة الدنيا!  
(٣) ما يخرج الناس من الظلمات إلى النور!  
(٤) من يحاول لتهديب نفسه يتقدّم غداً في الحياة!

(كانون فرهنگی آموزش ٩٦)

٧١٤- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ جَاءَ أُسْلُوبُ الشَّرْطِ؟

- (١) اللّهُمَّ كما حسّنت خلقي فحسّن خلقي!  
(٢) قال رسول الله ﷺ من ساء خلّفه عذب نفسه!  
(٣) خير إخوانكم من أهدى إليكم عبوبكم!  
(٤) للمعلّم أجر من عمل بعلمه لا ينقص من أجر العامل!

(تهرى ٨٤)

٧١٥- عَيَّنْ «مَا» شَرْطِيَّةً:

- (١) ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾  
(٢) أفضل الأعمال ما فيه صلاح و رشاد!  
(٣) ما تدعوا من الخيرات يسمع!  
(٤) ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً﴾

(زبان ٨٥)

٧١٦- عَيَّنْ «مَنْ» عَامِلَةً (شَرْطِيَّةً):

- (١) من أجاب عن هذا السؤال!  
(٢) لا تعاشر من يرى السيئات و لا يُنكرها!  
(٣) من عمل صالحاً جزأه الله خيراً!  
(٤) يساعدنا من يرانا في هذه الحالة!

(رياضی ٨٦)

٧١٧- عَيَّنْ «مَا» الْجَازِمَةَ (شَرْطِيَّةً):

- (١) ما تعمل اليوم تحصده غداً حتماً!  
(٢) ما عرفنتي زميلتي حين مررت من جنبها!  
(٣) ما الفخر إلا لأهل العلم إنهم على الهدى!  
(٤) ما نوع الرائحة التي كانت تفوح في الشارع!

(قارج ٨٦)

٧١٨- عَيَّنْ «مَنْ» جَازِمَةً (شَرْطِيَّةً):

- (١) ساعد من يسالك أمراً ملتمساً!  
(٢) من ناداني عندما كنت أتكلم معك!  
(٣) من يهديني في حياتي ير ثمرة عمله!  
(٤) سرتني من أخبرني بانتصار المجاهدين!

(تهرى ٩٠)

٧١٩- عَيَّنْ الْمَاضِي لَيْسَ فِي أُسْلُوبِ الشَّرْطِ (لَا يَتَغَيَّرُ زَمَانَهُ):

- (١) من دعاك و تكلمت معه و أعطاك الكتاب مسؤول عن المكتبة!  
(٢) إن كانت لك أفكار عالية فانشرها بين الآخرين!  
(٣) إن تواضعت لمن يُعلّمك عظمت شأنك!  
(٤) ما مرّ في قلبك جرى على لسانك!

(افصاحی انسانی ٩٨)

٧٢٠- عَيَّنْ «مَا» شَرْطِيَّةً:

- (١) ما أظلم الإنسان في حياته الضعفاء!  
(٢) ما من طائر إلا و له جناحان يطير بهما!  
(٣) ما عندني وصفة كتب الطبيب فيها الأدوية اللازمة لي!  
(٤) ما تعمل من خير في الدنيا تجد ثمرته في الآخرة!

٧٢١- عَيَّنَ الْخَطَأَ فِي أَسْلُوبِ الشَّرْطِ:

- (١) إِنْ تَكُنْ فِي نَفْسِكَ ذَرَّةٌ تَكْثُرُ تُشَاهِدُ التَّارَ!  
(٣) إِنْ تَذْهَبِ إِلَى ذَلِكَ الْحَانُوتِ تَجِدُ فِيهِ أَشْيَاءَ رَخِيصَةً كَثِيرَةً!

٧٢٢- عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهِ أَسْلُوبُ الشَّرْطِ:

- (١) مَنْ يُحْسِنُ إِلَى النَّاسِ فَاللَّهُ يُجْزِيهِ عَلَى إِحْسَانِهِ!  
(٣) مَنْ يَلْتَزِمُ بَأَنْ يَكُونَ عَامِلاً بِمَا يَقُولُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ!

٧٢٣- عَيَّنَ الْخَطَأَ لِلْفَرَاعِيْنَ: «إِنْ..... عَلَى الْحَسَنَاتِ..... إِلَى اللَّهِ»

- (١) تَحْرَصَنَّ - تَتَقَرَّبَنَّ  
(٢) تَحْرَصَا - تَتَقَرَّبَا

٧٢٤- «مَنْ..... فِي الْحَيَاةِ..... عَلَى اللَّهِ!» عَيَّنَ الْخَطَأَ لِلْفَرَاعِيْنَ:

- (١) أَرَادَتْ أَنْ فَتَوَكَّلَ لِتَتَوَكَّلَ  
(٢) حَبَّتْ أَنْ يَنْجَحَ - لِيَتَوَكَّلَ

٧٢٥- عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهِ أَسْلُوبُ الشَّرْطِ:

- (١) مَنْ لَا يَتَدَخَّلُ فِي مَوْضِعٍ لَا يَرْتَبِطُ بِهِ يَعْمَلُ عَمَلًا عَقْلَانِيًّا!  
(٣) مَنْ لَمْ يَقُلْ كُلَّ مَا عَلِمَ فَهُوَ يُعَدُّ نَفْسَهُ عَنِ الْخَطَأِ!

٧٢٦- عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمٌ مَثْنِيٌّ:

- (١) إِطْلَاقُ الطَّائِرِ الطَّنَانِ وَتَوَقُّفُهُ السَّرِيْعَانَ يُثْبِرَانِ التَّعَجُّبِ!  
(٣) يَقْتَرِبُ الرَّقْرَاقُ مِنَ التَّمْسَاحِ وَ يَفْتَحُ فَمَهُ فَيَدْخُلُ الطَّائِرَ فِيهِ!

٧٢٧- عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهِ جَمْعُ التَّكْسِيرِ:

- (١) الْمِظْلَةُ أَدَاةٌ لِحَفِظِ الْإِنْسَانِ أَمَامَ أَشِعَّةِ الشَّمْسِ أَوْ نَزُولِ الْمَطَرِ أَوْ التَّلَجِّ!  
(٣) يُعَدُّ الْحَوْثُ الْأَرْزُقُ أَكْبَرَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ وَ يَبْلُغُ وَزْنُهُ مِئَةً وَ سَبْعِينَ طَنًّا!

٧٢٨- عَيَّنَ مَا فِيهِ جَمْعُ التَّكْسِيرِ أَكْثَرُ:

- (١) ﴿ وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أَمَمٌ أَمْثَلُكُمْ ﴾  
(٣) يُقَدَّرُ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمَلَايِينِ!

|| التَّرَادُفُ وَ التَّنَادُفُ ||

٧٢٩- عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهِ التَّرَادُفُ:

- (١) وَ مَا أَدْرِي كَيْفَ اسْتَعْمَلَ هَذَا الْجَوَالَ لِأَنِّي لَا أَعْلَمُ طَرِيقَهُ!  
(٣) إِذْهَبْ إِلَى الْبَسَارِ بِسُرْعَةٍ وَ شَاهِدِ النَّاسَ مُعْتَرِضِينَ فِي الشَّمَالِ!

٧٣٠- عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهِ التَّنَادُفُ:

- (١) الْإِبْتِعَادُ عَنِ التَّقَاةِ الدِّيْنِيَّةِ خَطُءٌ الْأَعْدَاءِ فَتَسْعَى لِتَقَرَّبِنَا إِلَيْهَا!  
(٣) تَنْمُو أَسْنَانُ الْمَوْجُودَاتِ فِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةٍ وَ بَعْدَهَا يَقِفُ التَّمَوُّدُ!

٧٣١- عَيَّنَ التَّرَادُفُ:

- (١) هَلْ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْشِيَ عَلَى بَطْنِكَ كَمَا يَعْمَلُ بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ بِجَدْعِهَا؟  
(٣) عِنْدَمَا خَاطَبَكَ الْجَاهِلُ فَقُلْ لَهُ سَلَامًا وَ لَا تَسْتَبِهِ أَبَدًا!

|| صَبَبِ الْحَرَكَاتِ ||

٧٣٢- عَيَّنَ الْخَطَأَ فِي صَبَبِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) بَيْتٌ أَبِي يَقَعُ فِي مَنْطِقَةٍ جَمِيلَةٍ مِنْ مُحَافِظَةِ إِبْلَامِ!  
(٣) هَلْ تُجِيبَنَّ طَائِرَ الطَّنَانِ وَ طَوْلُهُ خُمْسَةَ سَنَتِيْمَاتٍ؟

٧٣٣- عَيَّنَ الْخَطَأَ فِي صَبَبِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) تَسْقَطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقِرْشِ دَائِمًا وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةً مَكَانَهَا!  
(٢) لِلسَّنَجَابِ عِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظْلَةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفَرُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى!  
(٣) لِلتَّمْسَاحِ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ فَهُوَ يَسْتَرِيخُ عَلَى السَّاطِئِ بَعْدَ تَنَاوُلِ الطَّعَامِ!  
(٤) يَبْدَأُ التَّمْسَاحُ بِنَقْرِ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فِيهِ وَ بَعْدَ أَنْ يَنْتَهِيَ مِنْ عَمَلِهِ يَخْرُجُ بِسَلَامَةٍ!

٧٣٤- عَيَّنَ الْخَطَأَ فِي صَبَبِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَّةِ الْقَدَمِ!  
(٣) سَجَّلَ الْهَدَفُ فِي مَرْمَى فَرِيْقِ السَّعَادَةِ وَلَكِنَّ الْحَكْمَ مَا قَبْلَهُ بِسَبَبِ تَسَلُّلِ!

(تَهْرِي ٩٧- بَاكِي تَغْيِير)

- (٢) إِنْ تَأْخُذَنَّ مِنَ الْمَكْتَبَةِ كُتُبًا تُرْجِعُهَا فِي الْوَقْتِ الْمَحْدَدِ!  
(٤) إِنْ تَحَاوِلِينَ فِي تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ تَرِينَ ثَمَرَتَهَا فِي فَهْمِ الْقُرْآنِ!

(تَهْرِي ٩٨)

- (٢) مَنْ يَعَامَلُ النَّاسَ بِالسُّوءِ لِيَنْظُرَ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِهِ!  
(٤) مَنْ سَارَ فِي طَرِيقِ الْعِلْمِ لَا يَنْدَمُ وَ إِنْ تَحَمَّلَ الْمَشَقَّةَ!

(رِيَاظِي ٩٣)

- (٣) تَحْرَصُوا - تَتَقَرَّبُوا  
(٤) يَحْرَصَانِ - يَتَقَرَّبَانِ

(هَنْر ٩٨)

- (٣) تُحِبُّ أَنْ تَنْجِي - عَلَيْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ (٤) أَرَادَ أَنْ يَفُوزَ - عَلَيْهِ أَنْ يَتَوَكَّلَ

(زِيَارَن ٩٨)

- (٢) مَنْ رَأَيْتَ مِنَ الْأَصْدِقَاءِ يَدْعُوكَ إِلَى الْخَيْرِ فَبِجَلَّةٍ تَبْجِيلًا!  
(٤) مَنْ بُعِثَ لِيَتَمَمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ هُوَ النَّبِيُّ الْأَكْرَمُ ﷺ!

- (٢) يُحَرِّكُ جَنَاحَيْهِ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيْبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ!

- (٤) هَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تُضَرُّ دِمَاغَهُ الصَّغِيرَ بِسَبَبِ وَجُودِ عَضْوِينَ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الضَّرْبَاتِ!

- (٢) تُفَرُّ عِيُونَ التَّمْسَاحِ سَائِلًا عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فِيهِ كَأَنَّهُ دُمُوعُ!  
(٤) يَمُدُّ السَّمَكُ الطَّائِرَ زَعَانِفَهُ الْكَبِيرَةَ الَّتِي تَعْمَلُ كَجَنَاحِينَ لِلْحَرَكَةِ!

- (٢) ﴿ وَ مَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ﴾

- (٤) لَهَجَاتٌ نَوْعٌ وَاحِدٌ مِنَ الطَّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مَنْطِقَةٍ إِلَى مَنْطِقَةٍ أُخْرَى!

- (٢) كُنَّا فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانَاتِ وَ الْأَسْتَاذُ جَالِسٌ فِي قَاعَةِ الْأَسَاتِيْذَةِ فَرِحْنَا!  
(٤) جَاءَ الْمَجَاهِدُونَ إِلَى الْحُرُوبِ بِالْإِشْتِيَاقِ لِأَنَّهُمْ لَا يَخَافُونَ الشَّهَادَةَ!

- (٢) سُمِعَتْ أَصْوَاتٌ مَعْرُوفَةٌ فِي الْجَامِعَةِ لِلْجُلُوسِ وَ الْقِيَامِ حِينَ وَرُودِ الْأَسْتَاذِ!  
(٤) سَكَتَ الطَّلَابُ حِينَ الْإِمْتِحَانِ لِأَنَّ الْأَسْتَاذَ تَكَلَّمَ بِصَوْتِ هَامِسٍ!

- (٢) كُنَّا فِي الْمَلْعَبِ لِمُشَاهَدَةِ الْمُبَارَاةِ وَ هِيَ مَسَابِقَةٌ بَيْنَ فَرِيْقَيْ إِيرَانَ وَ الْعِرَاقِ!  
(٤) الصَّبْرُ يُسَاعِدُكَ لِلْحَصُولِ عَلَى النَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ فَاحْذَرِ مِنَ الْكَسَلِ!

- (٢) إِسْأَلُ فِي صَعْرَكَ أَجِبْ فِي كِبْرِكَ!

- (٤) تُشَاهِدُ حَيَّةَ الصَّحْرَاءِ فِي مُنْتَصَفِ النَّهَارِ وَ عِنْدَمَا تَحْرُقُ الرَّمَالَ!

جمع (ماسه‌ها) ترجمه شده است. - «العصا» به اشتباه «چوب» ترجمه شده. - «الأقدام: پاها» به اشتباه «قدم‌ها» ترجمه شده است. ۴ «الصحراء» مضافاً‌لیه است ولی صفت (بیابانی) ترجمه شده. - «الغصاء» به اشتباه «چوب خشک» ترجمه شده است.

۶۸۶- **گزینه ۱** «تَفَكَّرُوا»: ببیندیشید (امر باب تَفَعَّل) - «لا تَتَفَكَّرُوا»: نیندیشید (نهی باب تَفَعَّل) **توجه** فعل در حقیقت «لا تَتَفَكَّرُوا» بوده که یک «ت» برای تلفظ راحت‌تر حذف شده است. - «مَنْ: هر کس» ادات شرط، «يَتَفَكَّر» فعل شرط و «يُشَاهِد» جواب شرط می‌باشد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «يَتَفَكَّر» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی (تفکر کند) ترجمه شود، اما به اشتباه مضارع اخباری (فکر می‌کند) ترجمه شده است. - کلمه «خدا» در عبارت «خَلَقْتَ خِدا» اضافی است. ۳ «خَلَقَ: آفرینش» در عبارت «مَنْ يَتَفَكَّر فِي الْخَلْقِ» به اشتباه «آفریدگار» ترجمه شده است. - «قدرة: نیرو» به اشتباه «عظمت» ترجمه شده است. ۴ «هستی» اضافی است. - اشکال گزینه (۲) در ترجمه «فعل شرط» تکرار شده است.

۶۸۷- **گزینه ۱** «عَلَيْنَا»: ما باید، بر ما واجب است - «الذَّهَاب»: رفتن - «عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ»: ما باید برویم - «أَنْ يَمْتَلِي»: که پر شود - «تَعَال»: بیا (امر باب تفاعل) - «نَذْهَبُ»: برویم (مضارع التزامی)

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «علی» در «عَلَيْنَا» حرف جزئی است که معنای «باید» دارد، ولی به شکل «بیا» ترجمه شده است. - «حتماً» اضافی است. ۳ «باید رفت» ترجمه دقیق «عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ» نیست، زیرا «نا» ضمیر متکلم مع‌الغیر است و در ترجمه نیامده است. - «تعال: بیا» به اشتباه «زود باش» ترجمه شده است. ۴ دو کلمه «به آن‌جا» و «زود باش» اضافی است.

۶۸۸- **گزینه ۲** «عِنْدَمَا»: هنگامی که - «تُفَرِّزُ»: ترشح می‌کند - «عُيُون»: چشم‌ها - «دُمُوع»: اشک‌ها

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «عُيُون: چشم‌ها» و «دُمُوع: اشک‌ها» جمع مکسر هستند که به اشتباه مفرد ترجمه شده‌اند. - «تُفَرِّزُ: ترشح می‌کند» به اشتباه «بیرون می‌آید» ترجمه شده است. ۳ «دُمُوع: اشک‌ها» جمع مکسر است ولی مفرد (اشک) ترجمه شده است. ۴ «كأنه دُمُوعُ» یک جمله کامل است و ترجمه آن به «مانند اشک» غلط است. - اشکال گزینه (۳) نیز وجود دارد.

۶۸۹- **گزینه ۲** «مَنْ: هر کس» ادات شرط است. - «قُتِلَ: کشته شد» فعل مجهول ماضی است. - «قد جَعَلْنَا»: قرار داده‌ایم

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «چنان‌چه» اضافی ترجمه شده. - «قُتِلَ: کشته شود» مجهول و «مفرد» است و به اشتباه به صورت معلوم و «جمع» (به کشتن دهند) ترجمه شده. - «ولی: سرپرست، صاحب» مفرد است و به اشتباه جمع (اولیاء) ترجمه شده است. - حرف جرّ «لِ: برای» در «لَوْلَيْتَهُ» ترجمه نشده و مهم‌تر آن که آن را به اشتباه به صورت «مفعول» ترجمه کرده است، در حالی که «جار و مجرور» است. ۳ «او» اضافی است. - «قُتِلَ: کشته شود» ماضی مجهول است که به اشتباه ترجمه شده است. - اشتباه ترجمه «لَوْلَيْتَهُ» در گزینه (۲) تکرار شده است. ۴ «سُلْطَانًا: قدرت، سلطنت» اسم است ولی به شکل فعل (قدرتمند ساختن) ترجمه شده است.

۶۹۰- **گزینه ۱** «إِذَا»: هرگاه، وقتی، اگر - «جاءكم»: نزد شما آمد (کُم: مفعول است). - «لا تَذْفَعُوا»: نپردازید (نهی باب تفاعل) - «عَلِّمُوا»: بیاموزید (امر باب تفعیل) **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «دائماً: همیشه، مدام» ترجمه نشده است. - «پول» اضافی است. - «طریق: راه» ترجمه نشده است. ۳ «مینکم: از شما» ترجمه نشده است. - «ها: آن را» در «لا تَذْفَعُوا» مفعول است و ترجمه نشده است. - «بَلْ: بلکه» ترجمه نشده است. ۴ «طریق: راه» مفرد است ولی به اشتباه جمع (راه‌ها) ترجمه شده است. - «عَلِّمُوا: یاد دهید» به اشتباه «یادآوری کنید» ترجمه شده است.

## یازدهم الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ

۶۷۹- **گزینه ۴** «تُدْرِي»: می‌دانی (دَرْي، يَدْرِي) - «لا تَقْدُرُ»: نمی‌توانی (مضارع منفی) - «أَنْ تَرَى»: که ببینی (مضارع التزامی (رَأَى - يَرَى))

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «لا تَقْدُرُ» به اشتباه به صورت مصدر (نمی‌توان) و «أَنْ تَرَى» به اشتباه به صورت ماضی (دید) ترجمه شده است. ۲ «لا تَدْرِي» به اشتباه «درک می‌کنی» و «نمانین» به اشتباه «هشمتصد» و «يَحْرَكُ» به اشتباه «می‌زند» ترجمه شده است. ۳ «لا تَدْرِي» و «لا تَقْدُرُ» و «أَنْ تَرَى» به اشتباه به صورت «لِلغائب» ترجمه شده‌اند. - عبارت «بیش از» معادلی در جمله عربی ندارد.

۶۸۰- **گزینه ۳** «يُثْبِتُ»: برمی‌انگیزد - «ذَيْلُ»: دم - «يَطِيرُ»: پرواز می‌کند - «خَمْسًا و أَرْبَعِينَ»: ۴۵

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «ثَانِيَةً» معدود است، پس ترجمه دقیق آن «چهل و پنج ثانیه» می‌باشد. - «در هر» که قبل «ثَانِيَةً» آمده اضافی است. - کلمه «بار» اضافی است. ۲ «وجود دارد» اضافی ترجمه شده، زیرا «نوعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ» یک جمله کامل نیست تا آن را به صورت یک جمله ترجمه کنیم، بلکه «نوعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يُثْبِتُ...» یک جمله است. - «پایین» معادلی در جمله عربی ندارد. - «خَمْسًا و أَرْبَعِينَ» به اشتباه «پنج و چهار» ترجمه شده است. ۴ اشکال «يُثْبِتُ» گزینه (۱) و تمام اشکالات گزینه (۲) را دارد. ضمناً کلمه «به بالا» اضافی است.

۶۸۱- **گزینه ۱** «يُقَدِّرُ»: تخمین می‌زند - «الكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ»: موجودات زنده **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «بِحَار» جمع است ولی به صورت «مفرد» ترجمه شده است. - ترجمه «چند میلیون» برای «ملايين: میلیون‌ها» دقیق نیست. ۳ معنای «يُقَدِّرُ»، «به حساب می‌آورند» نیست. ۴ «الْحَيَّةِ: زنده» صفت موجودات است، ولی به اشتباه، صفت «جهان» نوشته شده. - حرف «که» اضافی است.

۶۸۲- **گزینه ۳** «بِقَايَا» جمع مکسر و مفرد آن «بَقِيَّة» است، اما مفرد ترجمه شده است.

۶۸۳- **گزینه ۲** «تَسْقُطُ: می‌افتد» - «أَسْنَانُ: دندان‌ها» و مفرد آن «بِسَن» - «تَنُمُو: رشد می‌کند»

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «أَسْنَان» جمع است و به اشتباه مفرد (دندان) ترجمه شده. - «آلاف: هزاران» به اشتباه «صدها» ترجمه شده است. - «تَنُمُو: رشد می‌کند» به اشتباه «می‌گیرد» ترجمه شده است. ۳ «شروع به ...» اضافی ترجمه شده. - «آلاف» یعنی «هزاران». ۴ «تَسْقُطُ» به اشتباه «می‌شکنند» و «تَنُمُو» نیز به اشتباه «می‌گیرد» ترجمه شده است.

۶۸۴- **گزینه ۴** «لَكِنْ» معنای «اما» دارد نه «در حالی که». **گزینه ۲** «تَقِفُ»: می‌ایستد (وَقَفَ - يَقِفُ) - «حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ»: مار صحرا - «تَحْرُقُ»: می‌سوزاند

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «الصَّحْرَاءِ» مضافاً‌لیه است ولی صفت (صحرائی) ترجمه شده. - «تَقِفُ: می‌ایستد» به غلط «فرمودی‌رود» ترجمه شده است. ۳ «الزَّمَل: ماسه» به صورت

۶۹۱- **گزینه ۱** «صَرَخَ: فریاد زد - «مَنْ: هر کس» ادات شرط، «يُسَجَّلُ: ثبت کند» فعل شرط و «يَذْهَبُ: می‌رود» جواب شرط است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «صَرَخَ: فریاد زد» به اشتباه مضارع (فریاد می‌زند) ترجمه شده است. - «قال: گفت» ماضی است که مضارع (می‌گوید) ترجمه شده است. - «مَنْ: در این جا ادات شرط است ولی به اشتباه «مَنْ» استفهام (چه کسی؟) ترجمه شده. - «يَسْجَلُ: ثبت کند» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود ولی به اشتباه به صورت مضارع اخباری (کل می‌زند) ترجمه شده است. ۳ «يُسَجَّلُ: ثبت کند، بزند» فعل شرط مضارع است و باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود، ولی به اشتباه «ماضی» (زد) ترجمه شده. - «يَذْهَبُ: می‌رود» جواب شرط مضارع است و باید به صورت مضارع اخباری ترجمه شود ولی به اشتباه ماضی (راه یافت) ترجمه شده است. ۴ «صَرَخَ: فریاد زد» فعل است که به صورت اسم (فریادزنان) ترجمه شده است. - «وُ: ترجمه نشده است. - «يَذْهَبُ: می‌رود» مضارع است ولی به اشتباه به صورت مستقبل (خواهد رفت) ترجمه شده است. - «التَّهَائِي: مرحلهٔ نهایی» به اشتباه «آخرین مرحله» ترجمه شده است.

۶۹۲- **گزینه ۲** «إِذَا: هرگاه، اگر» ادات شرط است. - «تَكْتَبُونَ: بنویسید» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود. - «تَحْضُلُونَ: به دست می‌آورید» جواب شرط است و به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «عَجِبَ: صفت «سرعه» است و باید بعد از «سرعه» بیاید، ولی در این گزینه به صورت قید حالت (متعجبانه) ترجمه شده است. ۲ «تَطْلُبُونَ: می‌خواهید» مضارع است و ترجمه آن به صورت ماضی (خواستید) نادرست است. - «تَحْضُلُونَ: به دست می‌آورید» مضارع است و ترجمه آن به صورت مستقبل (خواهید رسید) نادرست است. ۴ «وَرَقَةٌ: کاغذ» مفرد است و به اشتباه جمع (اوراق کاغذ) ترجمه شده است. - اشتباه «تَطْلِبُونَ» در گزینه (۲) نیز تکرار شده است.

۶۹۳- **گزینه ۳** «يَقُومُ بِ: بر ... برپاست - «لَنْ يَسْتَطِيعَ: نخواهد توانست - «أَنْ يَفْرَ: که فرار کند، که رهایی یابد - «تُدْرِكُ: درک کنی (فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود).

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «يَقُومُ ب: برپاست» به اشتباه «اداره می‌شود» ترجمه شده. - «لَنْ يَسْتَطِيعَ: نخواهد توانست» ترجمه نشده است. - «أَنْ يَفْرَ: که فرار کند» به اشتباه به صورت مستقبل منفی (فرار نخواهد کرد) ترجمه شده. ۲ «لَنْ يَسْتَطِيعَ: نخواهد توانست» مستقبل منفی است ولی به اشتباه ماضی منفی نقلی (نتوانسته است) ترجمه شده است. - «تُدْرِكُ: درک کنی» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود، ولی در این گزینه به صورت ماضی (درک کنی) ترجمه شده است. - «تَفْرَ: بیروز می‌شوی، رستگار می‌شوی» جواب شرط است و باید به صورت مضارع اخباری ترجمه شود که به اشتباه مستقبل: «بیروز خواهی شد» ترجمه شده است. ۴ «لَنْ يَسْتَطِيعَ: نخواهد توانست» مستقبل است و ترجمه آن به صورت نمی‌تواند (مضارع منفی) نادرست است. - «از آن» اضافی ترجمه شده و «هذه السَّنة» ترجمه نشده است. - «تَفْرَ: رستگار می‌شوی» جواب شرط است و باید به صورت مضارع اخباری ترجمه شود، پس «رستگار خواهی شد» (مستقبل) نادرست است.

۶۹۴- **گزینه ۴** «تَسْتَحْدِمُ: به کار می‌گیرند - «لِتَتَغَدَّى: تا تغذیه کنند (مضارع التزامی باب تَفَعَّل)

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «تَسْتَحْدِمُ: به کار می‌گیرند» صيغةً «لِلغائبة» است که برای جمع غیر عاقل به کار رفته ولی به اشتباه به صورت متکلم مع‌الغیر (به کار می‌بریم) ترجمه شده. - «الأسماك: ماهی‌ها» فاعل هستند ولی به صورت فاعل و انجام‌دهنده کار ترجمه نشده است. - «لِتَتَغَدَّى: تا تغذیه کنند» مضارع التزامی صيغةً «لِلغائبة» است ولی به اشتباه به صورت متکلم مع‌الغیر (تغذیه کنیم) ترجمه شده است. ۲ «جَذَبَ: جذب کردن» به اشتباه «فرار» ترجمه شده است. - «في: در، برای» به اشتباه به معنای «از» نوشته شده. - حرف «و» و عبارت «دیگران نشدن» اضافی است. - «ها» در عبارت «صیدها: صید خود»

ترجمه نشده است. ۳ «في: در، برای» به اشتباه «برای این‌که» ترجمه شده و اشکال «دیگران نشوند» گزینه (۲) این‌جا نیز وجود دارد. - «جَذَبَ: ترجمه نشده است. ۶۹۵- **گزینه ۲** نکات مهم: «أبناء: فرزندان - «تَتَّجِدُوا: متحد شوید» فعل شرط - «تَتَحَقَّقُ: تحقق می‌یابد» جواب شرط.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «الإسلامية» به اشتباه «مسلمان» ترجمه شده. - «تَتَّجِدُوا: متحد شوید» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود. - «تَتَحَقَّقُ: تحقق می‌یابد» جواب شرط است و باید به صورت مضارع اخباری ترجمه شود ولی به صورت مضارع التزامی (تحقق یابد) ترجمه شده. ۳ «تَتَحَقَّقُ: تحقق می‌یابد» باب «تَفَعَّل» است و این باب به صورت لازم ترجمه می‌شود، بنابراین ترجمه آن به صورت متعدی (محقق می‌کنید) نادرست است. - «جميع» نیز نمی‌تواند مفعول باشد و فاعل است ولی در این گزینه به صورت مفعول ترجمه شده است. ۴ «الإسلامية» به اشتباه «مسلمان» ترجمه شده است. - «في ایران» به اشتباه بعد از «إن: اگر» ترجمه شده است. - «تَتَّجِدُوا: متحد شوید» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی بیاید ولی به اشتباه به صورت ماضی استمراری (متحد می‌شدید) ترجمه شده است. - «تَتَحَقَّقُ: تحقق می‌یابد» جواب شرط و به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود ولی به اشتباه به صورت ماضی بعید «تحقق یافته بود» ترجمه شده است.

۶۹۶- **گزینه ۲** «تَتَّقُوا: پروا کنید» فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می‌شود. - «يَجْعَلُ: قرار می‌دهد» جواب شرط است و به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «ما: هر چه» ادات شرط و «تَفَعَّلُوا» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی (انجام بدهید) ترجمه شود ولی به اشتباه، ماضی (انجام دادید) ترجمه شده است. ۳ «قالوا» جواب شرط است و به صورت مضارع اخباری (می‌گویند) ترجمه می‌شود ولی اولاً اشتباه «جواب دادند» ترجمه شده، ثانیاً به صورت ماضی آورده شده است. ۴ «ل: برای» و «خير: خوبی» ترجمه نشده است.

۶۹۷- **گزینه ۱** «اسْتَشْرَتْ» فعل شرط است و به صورت مضارع التزامی (مشورت کنی) ترجمه می‌شود ولی به اشتباه به صورت ماضی بعید (مشورت کرده بودی) ترجمه شده. - «لَنْ تَدْمَ» به دلیل حرف «لَنْ» باید به صورت مستقبل منفی (پشیمان نخواهی شد) ترجمه شود ولی به اشتباه، ماضی استمراری منفی (پشیمان نمی‌شدی) ترجمه شده است. ۶۹۸- **گزینه ۴** «يُطْعِمُ: اطاعت کند» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود. - «يُصْلِحُ: اصلاح می‌کند» جواب شرط است و باید به صورت مضارع اخباری ترجمه شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «يُطْعِمُ» به معنای «اطاعت کند» است و «مطیع باشد» نادرست است. - «أحوال: حالات» جمع است که به صورت مفرد (حال) ترجمه شده است. - «أمر» مفرد است و ترجمه آن به صورت جمع (کارها) نادرست است. - «در» اضافی است. ۲ «مَنْ: هر کس» ادات شرط است و ترجمه آن به صورت اسم موصول (آن کسی که) نادرست است. - اشتباه ترجمه «يُطْعِمُ» در گزینه (۱) تکرار شده است. - «أيضاً: هم‌چنین، هم» به اشتباه «قطعاً» ترجمه شده است. - «أمرٌ دنياه» ترکیب اضافی است و باید مضاف و مضاف‌الیه ترجمه شود (کار دنیای او). - «لَ: برای او» ترجمه نشده است. - «در» اضافی است. ۳ اشکال ترجمه «مَنْ» که در گزینه (۲) وجود داشت این‌جا هم تکرار شده. - «أحوال» به صورت مفرد (حال) ترجمه شده. - «أيضاً: هم، هم‌چنین» ترجمه نشده است. - «أمر: کار» به صورت جمع (کارها) ترجمه شده است. - اشکال ترجمه «أمر دنيا» در گزینه (۲) این‌جا نیز تکرار شده است. - ضمیر «ه» در «دنياه: دنیایش» ترجمه نشده است.

۶۹۹- **گزینه ۱** «لَمْ يَجِدْ: نیابد» فعل شرط است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. - «لَنْ يَحْضُلَ: نخواهد یافت» مستقبل منفی است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «لَمْ يَجِدْ: نیابد» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی (نیابد) ترجمه شود و ترجمه آن به صورت ماضی (نیافت) غلط است. - «این» و «در» اضافی



صفت «محروم» است، بنابراین باید «حَقًّا» و «المحروم» به عنوان صفت و موصوف مطابقت داشته باشند که چنین تطابقی ندارند.

۷۰۵- **گزینه ۳ اشتباهات سایر گزینه‌ها: ۱** «تباه نمی‌سازد» مضارع منفی و معادل آن به عربی «لَنْ يَصْبِيحَ: تباه نخواهد کرد» نمی‌باشد، زیرا «لَنْ يَصْبِيحَ» مستقبل منفی است. ضمیر «ه» به اشتباه به «دنیا» چسبیده در حالی که باید به «عمر» می‌چسبید. «حقیقت زندگی» ترکیب اضافی است، بنابراین «الحقیقة» که مضاف است نباید «ال» داشته باشد.

۲ «ه» در «حیاته: زندگی‌اش» اضافی ترجمه شده. «تباه نمی‌سازد» مضارع منفی است و ترجمه آن به صورت ماضی منفی (ساده یا نقلی) «لَمْ يَصْبِيحَ» نادرست است. «خود را» در عبارت عربی نیامده. ۴ «حقیقت زندگی» ترکیب اضافی است ولی در عبارت عربی با حرف «فی» ترجمه شده است. «هر کس» ادات شرط است و بعد از آن فعل شرط و جواب شرط می‌آید ولی در این جا «مَنْ» به عنوان اسم موصول به کار رفته است.

۷۰۶- **گزینه ۲ ترجمه سؤال:** هر کس قبل از سخن گفتن ببیندش از اشتباه در امان می‌ماند. [اشاره به تفکر قبل از حرف زدن دارد].

**اشتباهات سایر گزینه‌ها: ۱** چرا می‌گویند آن چه را انجام نمی‌دهید [اشاره به حرف بی‌عمل است]. ۳ هرگاه عقل کامل شود سخن کم می‌شود [اشاره به ستایش کم حرفی دارد]. ۴ اشاره به کم حرفی دارد و تا وقتی سؤال نشده پاسخی ندهید.

۷۰۷- **گزینه ۱ ترجمه سؤال:** اگر خواستی که به ما بیبندی خودت را پشت در رها کن سپس داخل شو. مفهوم عبارت مربوط به «ندیدن خود» و «دوری از خودپسندی» است که در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) به چنین مفهومی اشاره شده اما گزینه (۱) مربوط به «خواستن نور خدا» و «ستایش خدا با زبان» است.

۷۰۸- **گزینه ۲ ترجمه سؤال:** هر کس بلندمرتبی بخواد شب‌ها را بیدار می‌ماند [اشاره به تلاش و پشتکار دارد]. **ترجمه گزینه (۲):** به دست آوردن درجات عالی فقط به میزان تلاش است [اشاره به تلاش و پشتکار دارد].

**بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** برای رسیدن به مقام بلند فقط تلاش و پیگیری در شب واجب است. (نادرست) ۳ نتیجه بیداری در شب به دست آوردن درجات در آخرت است. (نادرست) ۴ رسیدن به عزت ممکن نیست مگر با دوری کردن از خواب. (نادرست)

۷۰۹- **گزینه ۲ ترجمه سؤال:** عبارتی را که در آن ادات شرط نیامده است، مشخص کن. در گزینه (۲) «مَنْ» حرف جز است و نباید آن را با «مَنْ» شرطیه اشتباه گرفت. **بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** «مَنْ» اولی استفهام است ولی «مَنْ» دومی ادات شرط است، زیرا معنای «هر کس» دارد و بعد از آن فعل شرط (يُسَجَّلُ) و جواب شرط (يَذْهَبُ) آمده است. ۳ «إِنْ» اگر» ادات شرط است. ۴ «إِذَا» هرگاه، اگر» ادات شرط است.

۷۱۰- **گزینه ۲ ترجمه سؤال:** ..... خیر را انجام بدهد آن را در آینده می‌بیند. «مَنْ» هر کس» ادات شرط است و بهترین معنا را در این جا دارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** «إِنْ» قطعاً» در جای خالی ترجمه روانی نیست. ۳ «إِذَا» هرگاه، اگر» فعل شرط و جواب شرط را تغییر نمی‌دهد، در حالی که آخر هر دو فعل، ساکن شده است. ۴ «هَلْ: آیا» حرف استفهام است و جمله مفهوم نخواهد داشت.

۷۱۱- **گزینه ۲** باید فعل شرط (تَزْرَعُ) و جواب شرط (تحصدي) از لحاظ جنس با یکدیگر مطابقت داشته باشند، ولی در این گزینه فعل شرط «مذْكَر» و جواب شرط «مؤنث» است.

۷۱۲- **گزینه ۱** «ما» در این جا اسم موصول (آن چه) می‌باشد، زیرا اگر «ما» را شرطیه (هر چه) بدانیم می‌بایست جمله اسمیه جواب شرط «هُوَ مُصَابِحٌ» با «فَ» شروع شود. **بررسی سایر گزینه‌ها: ۲** «إِنْ» اگر» ادات شرط است و «لَمْ يَتَقَضَّوْا» فعل شرط و «نَذْهَبُ» جواب شرط است، بنابراین این جمله شرطیه است. ۳ «ما» هر چه» ادات شرط است و «يَجْمَعُ» فعل شرط و «يَشَاهِدُ» جواب شرط است. ۴ «مَنْ» هر کس» ادات شرط، «سَأَلُ» فعل شرط و «أَجَابُ» جواب شرط است.

ترجمه شده‌اند. «لِلوَصُولِ: برای رسیدن» ترجمه نشده است. ۳ ترجمه «پیدا نکرده» برای «لَمْ يَجِدْ» به دلیل آن چه در گزینه (۲) گفته شد درست نیست. «لَنْ يَخْضُلَ» مستقبل منفی است و ترجمه آن به صورت مضارع منفی (پیدا نمی‌کند) نادرست است. «در همین نزدیکی» نادرست است و در عبارت عربی چنین چیزی وجود ندارد. «نا» در «مِنَّا» ترجمه نشده است. ۴ «لَمْ يَجِدْ» فعل شرط است و باید به صورت مضارع التزامی (نیابد) ترجمه شود و ترجمه به صورت مضارع منفی (پیدا نمی‌کند) نادرست است. اشتباهی که درباره «لَنْ يَخْضُلَ» در گزینه (۳) گفته شد، این جا نیز وجود دارد. «این» اضافی است.

۷۰۰- **گزینه ۴** «شَاوَرُ» فعل شرط است باید به صورت مضارع التزامی (مشورت کند) ترجمه شود. «فَقَدْ اِنْتَفَعَ» جواب شرط است و با توجه به: (قد + ماضی) به صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** «مشورت کرد» باید به صورت مضارع التزامی (مشورت کند) ترجمه شود؛ زیرا «شاور» فعل شرط است. «قَبِلَ أَنْ يَعِزَّمَ: قبل از آن که تصمیم بگیرد» ترجمه نشده است. ۲ اشکال ترجمه «شَاوَرُ» در گزینه (۱) این جا نیز وجود دارد. ترجمه «فَقَدْ اِنْتَفَعَ: سود برده است» به صورت مستقبل (سود خواهد برد) نادرست است. ۳ «هر» اضافی است. «أَنْ يَعِزَّمَ: که تصمیم بگیرد» مضارع التزامی است و ترجمه آن به صورت مصدر (تصمیم گرفتن) نادرست است. «شاور» همانند گزینه‌های (۱) و (۲) اشتباه ترجمه شده است. «فَقَدْ اِنْتَفَعَ: سود برده است» ماضی نقلی است و ترجمه آن به صورت مضارع (سود می‌برد) نادرست است.

۷۰۱- **گزینه ۲** بال عضوی است که ماهی با آن می‌پرد. (نادرست) **ترجمه سایر گزینه‌ها: ۱** مار حیوانی است که بر روی شکمش راه می‌رود. (درست) ۳ دار کوب پرنده‌ای است که تنه‌های درختان را نوک می‌زند. (درست) ۴ چتر وسیله‌ای برای محافظت انسان هنگام بارش باران است. (درست)

۷۰۲- **گزینه ۲** کهنسال: کسی است که خداوند به او عمری طولانی می‌دهد. (درست)

**ترجمه سایر گزینه‌ها: ۱** ورزشگاه: محلی است که تماشاگران و گردشگران به آن می‌روند. (نادرست) ۳ تیم (گروه): گروهی از مردم هستند که به ورزشگاه می‌روند. (نادرست) ۴ بزرگواری: شرافت و عظمت، بدون عزت نفس است. (نادرست)

۷۰۳- **گزینه ۱ اشتباهات سایر گزینه‌ها: ۲** «سخن گفتن» مصدر است و ترجمه آن به صورت مضارع التزامی «أَنْ تَكَلَّمَ» غلط است. در ضمن حرف ناصبه «أَنْ» بر سر فعل مضارع می‌آید نه ماضی. ۳ «هر کس» ادات شرط است و معادل عربی آن «مَنْ» است پس ترجمه آن به «الذی» غلط است. اشکال «أَنْ تَكَلَّمَ» در گزینه (۲) تکرار شده. «قد» بر سر فعل مضارع معنای «گاهی» می‌دهد که اضافی آمده است. «خطا» در جمله فارسی مفرد است و ترجمه آن به «الأخطاء» اشتباه است. ۴ اشتباه «الذی» در گزینه (۳) تکرار شده است. «قد سلیم» جواب شرط و ماضی نقلی است و معادل «ایمن می‌گردد» که مضارع است نمی‌شود. «الخطایا» جمع و غلط است.

۷۰۴- **گزینه ۲ اشتباهات سایر گزینه‌ها: ۱** «هر کس» ادات شرط است و معادل عربی آن «مَنْ» است، بنابراین «إِنَّ الذی» ترجمه غلطی است. «نیکی کردن» مصدر است و ترجمه آن به صورت مضارع التزامی «أَنْ يُحْسِنَ: که نیکی کند» اشتباه است. «در» در عبارت «در نیکی کردن» و «آن را» به عربی برگردانده نشده است. «حقیقی» نیز به اشتباه «حَقًّا» ترجمه شده است؛ زیرا «حقیقی» صفت است، بنابراین «حَقًّا» و «المحروم» باید با همدیگر منطبق باشند که چنین نیست. ۳ «الإحسان إلی الآخرين» مربوط و وابسته به «بَخِلَ: بخل بورزد» است و باید بعد از آن بیاید. «آن را» مفعول فعلی «حرام کند» است که در عبارت عربی ترجمه نشده است. ۴ «الذی» ترجمه درستی برای «هر کس» نیست، زیرا «هر کس» ادات شرط است و باید «مَنْ» ترجمه شود. «در» ترجمه نشده و باید در عبارت عربی «فی» می‌آمد. «بر خود» به عربی «علی نَفْسِه» می‌شود که به اشتباه «علیه» ترجمه شده است. «کلمه» «حقیقی»

۷۱۳- **گزینه ۳** «ما» در این عبارت «استفهامی و پرسشی» است. «چه چیزی مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد؟»

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «مَنْ: هر کس» ادات شرط، «يَقْضُ» فعل شرط و «يَمْتَنِعُ» جواب شرط است. ۲ «ما: هر چه» ادات شرط، «تَتَعَلَّمُوا» فعل شرط و «يُسَاعِدُ» جواب شرط است. ۴ «مَنْ: هر کس» ادات شرط، «يُحَاوِلُ» فعل شرط و «يَتَقَدَّمُ» جواب شرط است.

۷۱۴- **گزینه ۲** «مَنْ: هر کس» ادات شرط، «سَاءَ: فعل شرط» و «عَدَبَ: جواب شرط»

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ هیچ‌کدام از ادات شرط (إِنْ - مَنْ - مَا - إِذَا) نیامده است تا اسلوب شرط تشکیل شود. ۳ «مَنْ: کسی که» اسم موصول است و برای پیوند دو جمله آمده است [مَنْ] شرط و «مَنْ» موصول با هم تفاوت جدی دارند. به درس‌نامه مراجعه کنید. ۴ «مَنْ: کسی که» اسم موصول است، زیرا اولاً برای پیوند دو جمله آمده، ثانیاً معنای جمله شرطیه به وجود نیامده است.

۷۱۵- **گزینه ۳** «ما: هر چه» ادات شرط، «تَدْعُوا» فعل شرط و «يُسْمِعُ» جواب شرط است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «ما: آن‌چه» اسم موصول است و نقش دستوری آن مفعول برای «تَقُولُونَ» است. ۲ «ما: آن‌چه» اسم موصول است و نقش دستوری آن «خبر» برای مبتدای «أَفْضَلُ» است. ۴ «ما: آن‌چه» اسم موصول است و نقش دستوری آن مفعول فعل «جَعَلْنَا» است.

۷۱۶- **گزینه ۳** **ترجمه سؤال:** «مَنْ» عامل را مشخص کن. [توضیح: عامل: یعنی بر کلمه بعد از خود اثر بگذارد و آن را تغییر دهد؛ یکی از کلماتی که بر کلمه بعد از خود اثر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد، ادات شرط است (فعل بعد از خود را مجزوم می‌کند). پس به عبارت دیگر صورت سؤال «مَنْ» شرطیه را می‌خواهد.] «مَنْ: هر کس» ادات شرط، «عَمِلَ» فعل شرط و «جَزَاءً» جواب شرط است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «مَنْ: چه کسی» کلمه پرسشی است و هیچ تغییری بر کلمه بعد از خود ندارد. ۲ «مَنْ: کسی که» اسم موصول است و هیچ تغییری بر کلمه بعد از خود ندارد. ۴ «مَنْ: کسی که» همانند گزینه (۲).

۷۱۷- **گزینه ۱** «ما: هر چه» ادات شرط، «تَعْمَلُ» فعل شرط و «تَخْضَعُ» جواب شرط است. **ترجمه:** هر چه امروز انجام بدهی حتماً فردا آن را درو می‌کنی.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «ما» نفی است و معمولاً قبل از فعل ماضی می‌آید و آن را منفی می‌کند. **ترجمه:** هم‌کلاسی‌ام را نشناختم هنگامی که از کنارش گذشتم. ۳ «ما» نفی است و معنای «نیست» می‌دهد. **ترجمه:** نیست افتخاری مگر برای اهل دانش، زیرا آن‌ها بر [مسیر] هدایت هستند. (افتخار فقط برای اهل علم است، زیرا آن‌ها بر [مسیر] هدایت هستند.) ۴ «ما» استفهام و به معنای «چیست» می‌باشد. **ترجمه:** نوع بویی که در خیابان می‌پیچید، چیست؟

۷۱۸- **گزینه ۳** «مَنْ: هر کس» ادات شرط، فعل شرط «يَهْدِي» است هدایت کند» فعل شرط، «يَزِي: می‌بیند» جواب شرط است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «مَنْ: کسی که» اسم موصول است، زیرا دو جمله را به هم پیوند داده. **ترجمه:** کمک کن به کسی که کاری را با خواهش از تو می‌خواهد. ۲ «مَنْ: چه کسی» اسم استفهام است، زیرا معنای «اسم موصول» و «شرطی» ندارد. **ترجمه:** چه کسی هنگامی که با تو صحبت می‌کردم مرا صدا زد؟ ۴ «مَنْ: کسی که» اسم موصول است، زیرا اولاً دو جمله را پیوند داده، ثانیاً معنای شرطی و استفهامی ندارد. **ترجمه:** مرا شاد کرد کسی که به من خبر پیروزی رزمندگان را داد.

۷۱۹- **گزینه ۱** **ترجمه سؤال:** در کدام گزینه فعل ماضی، در اسلوب شرط نیست (زمانش تغییر نمی‌کند؟) در گزینه (۱) «مَنْ» موصول است و معنای «کسی که» می‌دهد، بنابراین «فعل شرط» یا «جواب شرط» ندارد. **ترجمه:** کسی که تو را

صدا کرد و با او صحبت کردی و به تو کتاب داد، مسئول کتابخانه است!

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «إِنْ: اگر» ادات شرط است و فعل شرط «كانت» ماضی است. ۳ «إِنْ: اگر» ادات شرط است و فعل شرط «تَوَاضَعْتَ» فعل ماضی است. ۴ «ما: هر چه» ادات شرط است و فعل شرط «مَرَّ» ماضی است.

۷۲۰- **گزینه ۴** «ما: هر چه» ادات شرط، «تَغْمَلُ: فعل شرط»، «تَجِدُ: جواب شرط» **ترجمه:** هر چه از خوبی در دنیا انجام بدهی، نتیجه‌اش را در آخرت می‌یابی.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «ما أَظْلَمَ» صیغه تعجب است [صیغه «ما أَفْعَلُ»: برای بیان تعجب است. مثال: «ما أَجْمَلُ»: چه زیباست!] **ترجمه:** انسان در زندگی‌اش در حق ضعیفان چه قدر ظالم است. ۲ «ما مِنْ ...» عبارتی به معنای «هیچ ... نیست» است و «ما» در آن شرطیه نیست. **ترجمه:** هیچ پرنده‌ای نیست مگر آن که دو بال دارد که با آن‌ها می‌پرد. ۳ «ما» در عبارت «ما عندي: ندارم»، «ما»ی نفی است. **ترجمه:** نسخه‌ای را که پزشک در آن داروهای لازم برایم را نوشته، ندارم.

۷۲۱- **گزینه ۴** فعل شرط و جواب شرط مجزوم است؛ یعنی اگر حرکت حرف آخرش (ت) باشد، تبدیل به ساکن (ث) می‌شود و اگر حرف آخرش «نون» باشد، آن حذف خواهد شد (به‌جز جمع مؤنث). اما در این‌جا «تُحَاوِلِينَ» و «تَرِينَ» فعل شرط و جواب شرط هستند و مجزوم نشده‌اند. صحیح آن‌ها «تُحَاوِلِي» و «تَرِي» خواهد بود.

۷۲۲- **گزینه ۲** اگر «مَنْ» شرطی باشد «لِيَنْظُرَ» (فعل امر غایب) جواب شرط خواهد بود و در درس‌نامه خوانده‌ایم که اگر جواب شرط جمله اسمیه یا فعل امر و نهی باشد باید قبل از آن حرف «فَ» بیاید. پس این‌جا «مَنْ» از نوع موصول و به معنای «کسی که» است. **ترجمه:** کسی که با مردم با بدی رفتار می‌کند باید سرانجام کارش را ببیند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «مَنْ» ادات شرط، «يُخْسِنُ» فعل شرط، «فَاللَّهِ يُجْزِيهِ» جواب شرط که به صورت جمله اسمیه است که بر سرش حرف «فَ» می‌آید. ۳ «مَنْ» ادات شرط، «يَلْتَزِمُ» فعل شرط، «فَهُوَ مَوْمِنٌ» جواب شرط که جمله اسمیه است و اولش «فَ» آمده. ۴ «مَنْ» ادات شرط، «سَارَ» فعل شرط، «لَا يَنْدَمُ» جواب شرط است.

۷۲۳- **گزینه ۴** «ادات شرط» فعل شرط و جواب شرط را مجزوم می‌کنند (به‌جز جمع مؤنث). بنابراین فعل شرط باید به صورت «يُحْرَصُ» و جواب شرط نیز به صورت «يَتَّقَرَّباً» می‌آید. **توجه** «تَحْرِصُ» و «تَتَّقَرَّبِينَ» در گزینه (۱) جمع مؤنث هستند و با آمدن ادات شرط بر سرشان تغییر نمی‌کنند.

۷۲۴- **گزینه ۳** تطابق بین فعل‌های این عبارت از نظر صیغه، بسیار لازم است. در این گزینه «سُجِبَ: دوست داری، دوست دارد» و «تَتَوَكَّلُ: توکل کنی، توکل کند» در صیغه «لِلْمُخَاطَبِ» یا «لِلغَائِبَةِ» است، اما «تَنْجَحِي: موفق شوی» در صیغه «لِلْمُخَاطَبَةِ» است.

۷۲۵- **گزینه ۴** «مَنْ: کسی که» اسم موصول است. زیرا اولاً اگر «مَنْ» در این‌جا شرطیه بود باید قبل از جواب شرط که از نوع جمله اسمیه است (هو النبي الأكرم) حرف «فَ» می‌آمد. ثانیاً: در این جمله شرط و مشروطی وجود ندارد. به عبارت دیگر مفهوم فعل شرط و جواب شرطی در این جمله نیست. **ترجمه:** کسی که برانگیخته شد (فرستاده شد) تا بزرگواری‌های اخلاقی را کامل کند، پیامبر اکرم ﷺ است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «مَنْ: هر کس» ادات شرط، «لَا يَتَدَخَّلُ: دخالت نکند» فعل شرط و «يَغْمَلُ: انجام می‌دهد» جواب شرط است. **ترجمه:** هر کس در موضوعی که به او ارتباطی ندارد دخالت نکند، کاری عقلانی انجام می‌دهد. ۲ «مَنْ: هر کس» ادات شرط، «رَأَيْتَ» فعل شرط و «فَبِحَلِّهِ» جواب شرط است.

**تذکر** جواب شرط (يَجَلُّ) فعل امر است در نتیجه قبل از آن حرف «فَ» آمده است. **ترجمه:** هر کس از دوستان را دیدی که تو را به خوبی دعوت می‌کند او را حتماً گرامی بدار. ۳ «مَنْ» ادات شرط، «لَمْ يَقُلْ» فعل شرط، «فَهُوَ يُبْعَدُ» جواب شرط و جمله اسمیه است که قبل از آن حرف «فَ» آمده است. **ترجمه:** هر کس همه آن‌چه را دانسته، نگوید، خودش را از اشتباه دور می‌کند.

- ۷۲۶- گزینه ۳ در این گزینه هیچ اسم مثنایی وجود ندارد.
- بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه (۱) «السَّریعان»، در گزینه (۲) «جَنَاحِین + ه» [توجه] می‌دانیم که مضاف «ن» مثنی و جمع نمی‌گیرد، بنابراین در اصل «جَنَاحِین» بوده که به ضمیر «ه» متصل شده و بنابراین مضاف شده است و «ن» از آخرش حذف گردیده است. و در گزینه (۴) «عضوین» مثنی هستند.
- ۷۲۷- گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «أَشَقَّة» جمع مکسر و مفرد آن «شُعاع» است. ۲ «عیون» و «دُموع» جمع مکسر هستند که مفرد آن‌ها «عین» و «دُمع» است. ۴ «زعانف» جمع مکسر و مفرد آن «زَعْنَفَة» یعنی «باله ماهی» می‌باشد.
- ۷۲۸- گزینه ۳ العلماء: دانشمندان (مفرد: عالم) - أنواع: گونه‌ها (مفرد: نوع) - بحار: دریاها (مفرد: بحر) - مَلایین: میلیون‌ها (مفرد: ملیون) (چهار جمع مکسر) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ اُمَم: ملت‌ها (مفرد: أُمَّة) - أمثال: نمونه‌ها (مفرد: مِثْل) ۲ أنفُس: خود، نفس (مفرد: نَفْس) ۴ الطیور: پرندگان (مفرد: طائر، طَیْر)
- ۷۲۹- گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ أدری (دَرِی، یَدْرِی) می‌دانم = أَعْلَم (عَلِمَ، یَعْلَم) می‌دانم ۲ صالَة (سالن) = قاعة (سالن) ۳ الیسار = الشَّمال (چپ) ۷۳۰- گزینه ۳ تَنَمُو: رشد می‌کند و «یَقِفُ: می‌ایستد» متضاد نیستند.
- بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ الابتعاد (دور شدن) ≠ التقرب (نزدیک شدن) ۲ الجلوس (نشستن) ≠ القيام (ایستادن) ۴ سَكَّت (ساکت شد) ≠ تَكَلَّمَ (سخن گفت)
- ۷۳۱- گزینه ۲ مُباراة = مسابَقَة در سایر گزینه‌ها دو اسم مترادف وجود ندارد.
- ۷۳۲- گزینه ۱ «مَنْطِقَة» غلط است و «مِنْطَقَة» صحیح است.
- ۷۳۳- گزینه ۲ «المَظَلَّة» غلط است و «المِظَلَّة» صحیح است.
- ۷۳۴- گزینه ۲ «یَمْتَلِی» غلط است و شکل صحیح آن «یَمْتَلِی» (مضارع باب افتعال) است. هم‌چنین «المُتَفَرِّجِین» نادرست است. شکل درست آن «المُتَفَرِّجِین» (اسم فاعل) است.

## الذَّيْنِ الثَّالِثُ **أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ**

### || قواعد ||

#### أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

در زبان فارسی جملاتی که با «اگر، هر کس، هرگاه، هر چه و ...» آغاز می‌شود و یک عمل را به یک عمل دیگر مشروط و وابسته می‌کند، جمله شرطیه گفته می‌شود.

**مثال:** اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.

در زبان عربی جمله یا اسلوب شرط دارای سه رکن است:

ادوات شرط + جمله شرط + جمله جواب شرط

**الف ادوات شرط:** کلماتی که در ابتدای جمله شرطی می‌آیند و عبارت‌اند از:

«مَنْ (هر کس)، ما (هر چه)، إِنْ (اگر)، إِذَا (هرگاه، اگر)»

**ب جمله شرط:** جمله‌ای که بلافاصله بعد از ادوات شرط می‌آید و بیانگر شرطی در جمله است.

**ج جواب شرط:** دومین فعل یا جمله‌ای که بعد از جمله شرط می‌آید و نتیجه شرط را بیان می‌کند.

**مثال:** إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ ...

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

اگر خداوند را یاری کنید [خداوند] شما را یاری می‌کند.

**تست** عَيْنِ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ مَا جَاءَ بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ: (کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

۱) ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (جواب الشرط: تَنْصُرُوا)

۲) مَنْ يَسْجُلْ هَدَفًا يَهْدَبْ إِلَى النَّهَائِي! (فعل الشرط: يَهْدَبْ)

۳) ﴿وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ (أداة الشرط: مِنْ)

۴) فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ! (جواب الشرط: تَصِيدُ)

✓ پاسخ گزینۀ «۴» إذا: أداة الشرط - وَقَفَ: فعل الشرط - تَصِيدُ: جواب الشرط

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. اِنْ: أداة الشرط - تَنْصُرُوا: فعل الشرط - يَنْصُرُ: جواب الشرط  
 ۲. مَنْ: أداة الشرط - يَسْجَلُ: فعل الشرط - يَذْهَبُ: جواب الشرط ۳. ما: أداة الشرط -  
 تَفْعَلُوا: فعل الشرط - يَغْلَمُ: جواب الشرط

اِنْ تُـرِدُ أَنْ تَكُونَ مُؤْمِنًا فَاعْمَلِ الْحَسَنَاتِ.  
 ادرات شرط فعل شرط (مفارع)      جواب شرط (فعل امر)  
 اگر می‌خواهی که مؤمن باشی پس خوبی‌ها را انجام بده.

ادوات شرط در معنی و ظاهر فعل شرط و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند. در این بخش به تغییرات ظاهری فعل شرط و جواب شرط اشاره می‌کنیم و در کارگاه ترجمه نیز تغییرات معنای آن‌ها را بیان خواهیم کرد.

اِنْ تَعْرِفْ أَهْدَاكَ فِي الْحَيَاةِ فَلَا تُضَيِّعْ عُمْرَكَ فِي الدُّنْيَا.  
 ادرات شرط فعل شرط (مفارع)      جواب شرط (فعل نهی)  
 اگر اهدافت را زندگی را می‌شناسی پس عمرت را در دنیا ضایع نکن.

**تغییر ظاهری فعل شرط و جواب شرط**

ادوات شرط، فعل شرط و جواب شرط را مجزوم می‌کنند؛ یعنی:  
 الف) اگر آخر فعل «ت» داشته باشد، آن را به ساکن «ه» تبدیل می‌کنند.  
 مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الامْتِحَانِ.

**تست** عَيْنَ فعل الشرط ماضياً:  
 (۱) اِنْ يَقع شَكٌّ فِي قلب التَّاسِ بالنسبة إِلَيْكَ، فِدَاعِعِ عَن نَفْسِكَ بِالتَّوْضِيحِ!  
 (۲) اِنْ تَشَاهَدَ نَفْسَكَ يَوْمًا غَارِقًا فِي القِسَاوَةِ، فامسح بِيدِكَ عَلى رَأْسِ يَتِيمٍ!  
 (۳) اِنْ تَجَزَّكَ قَدْرَتِكَ عَلى الظلمِ بالتَّاسِ فَلَا تَتَسَّ أَنْ اللهُ هُوَ الأَقْدَرُ!  
 (۴) اِنْ وَجِدوكَ غَاضِبًا فَلنِ بواجِهوكَ بِمَا يُرْضِيكَ!

فعل شرط      جواب شرط  
 هر کس به درس خوب گوش فراندهد، در امتحان مردود می‌شود.  
 ب) و اگر آخر فعل «ن» داشته باشد (به جز جمع مؤنث: يَفْعَلْنَ - تَفْعَلْنَ) «ن» را حذف می‌کند.

✓ **پاسخ** گزینه «۴»: اِنْ: ادات شرط - وجدوا: فعل شرط (ماضی) - لن بواجهوا: جواب شرط (مستقبل منفی) (همان‌طور که می‌بینیم جواب شرط با «لن» آغاز شده و قبل از آن حرف «ف» آمده است).  
 ترجمه: اگر تو را عصبانی ببینند، پس با تو آن‌گونه که تو را راضی می‌کند روبه‌رو نخواهند شد.  
 بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. اِنْ: ادات شرط - يَقَعُ: فعل شرط (مضارع - وَقَعٌ - يَقَعُ) - دافع: جواب شرط (امر). همان‌طور که می‌بینیم جواب شرط فعل امر است پس قبل از آن حرف «ف» آمده است.

یا أَيُّهَا النَّاسُ: ما تَزْرَعُوا فِي الدُّنْيَا تَحْضُدُوا فِي الآخِرَةِ.  
 فعل شرط      جواب شرط  
 ای مردم: هر چه را در دنیا بکارید در آخرت درو می‌کنید.

ترجمه: اگر در قلب مردم نسبت به تو شکی بیفتد، با توضیح از خودت دفاع کن.  
 ۲. اِنْ: ادات شرط - تَشَاهَدُ: فعل شرط (مضارع) - امسح: جواب شرط (امر). جواب شرط امر است و قبل از آن حرف «ف» آمده است.  
 ترجمه: اگر روزی خودت را غرق در سنگدلی دیدی، دستت را بر سر یتیم بکش.  
 ۳. اِنْ: ادات شرط - تَجَزَّ: فعل شرط (مضارع) - لا تَتَسَّ: جواب شرط (نهی) «نِسي» - يَنْسي: «جواب شرط» فعل نهی است و قبل از آن حرف «ف» آمده است.  
 ترجمه: اگر قدرتت تو را به سوی ظلم به مردم می‌کشد، فراموش نکن که خداوند تواناتر است.

**تست** عَيْنَ الكلمات غير المناسبة للفرافات لأسلوب الشرط:

(۱) اِنْ ..... بالأجانب ..... استقلالكم! (تَتَمَسَّكُوا - تُضَيِّعُوا)  
 (۲) مَنْ ..... فِي طريق الحق ..... النَّصْرَا! (يَجْتَهِدُ - يُحَقِّقُ)  
 (۳) ما ..... فِي حياتكم ..... فِي المُسْتَقْبَلِ! (تَتَعَلَّمُونَ - يُتَّفَعُّكُمْ)  
 (۴) مَنْ ..... المَعاصي الكَثيرة ..... مِنْ عَيْنِ الأولياء! (يَرْتَكِبُ - يَسْقُطُ)

گاهی ممکن است بعد از فعل شرط یا جواب شرط، فعل‌های دیگری بیایند که به وسیله حروف عطف (و - ف - ثم - أو ...) به آن‌ها وصل شوند، بنابراین در شناسایی دقیق فعل شرط و جواب شرط به معنای جملات بسیار دقت کنید.

✓ **پاسخ** گزینه «۳»: «ما» أداة شرط است، پس باید فعل شرط و جواب شرط را مجزوم کند؛ یعنی اگر آخر فعل هـ داشت آن را به ت تبدیل کند و اگر آخر فعل هـ «ن» داشت آن را حذف کند، اما در گزینه «۳» «يَتَعَلَّمُونَ» که فعل شرط است مجزوم نشده («ن» حذف نشده) و «يُتَّفَعُّ» که جواب شرط است نیز مجزوم نشده (هـ به ت تبدیل نشده است).  
 بررسی سایر گزینه‌ها: در سایر گزینه‌ها «اِنْ» و «مَنْ» شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط را تغییر داده و آن‌ها را مجزوم کرده است.

**نکته** گاهی ممکن است بعد از فعل شرط یا جواب شرط، فعل‌های دیگری بیایند که به وسیله حروف عطف (و - ف - ثم - أو ...) به آن‌ها وصل شوند، بنابراین در شناسایی دقیق فعل شرط و جواب شرط به معنای جملات بسیار دقت کنید.

**نکته** فعل شرط و جواب آن می‌توانند ماضی یا مضارع باشند، ولی اگر ماضی باشند تغییری در ظاهر فعل‌ها ایجاد نمی‌شود (مجزوم نمی‌شود)، زیرا فعل‌های ماضی «مبنی» (تغییرناپذیر) هستند. البته در این صورت، فعل ماضی به صورت مضارع ترجمه می‌شود.

مثال: مَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ وَيَتَفَكَّرُ فِيهِ يَصِلْ إِلَى عَمَقِ مَعْنَاهُ فَيَفْزُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.  
 ادرات فعل شرط متصل (معتوف)      جواب شرط متصل (معتوف)      به جواب شرط شرط  
 هر کس قرآن را بخواند و در آن بیندیشد، به عمق معنای آن می‌رسد سپس ادرات شرط فعل شرط معتوف      جواب شرط معتوف

مثال: مَنْ نَظَرَ إِلَى وَجْهِ وَالِدِيهِ نَظْرَةً رَحِيمَةً كَتَبَ اللهُ لَهُ حِجَّةً مَقْبُولَةً.  
 ادرات شرط فعل شرط (ماضی)      جواب شرط (ماضی)  
 هر کس به چهره پدر و مادرش از روی مهربانی نگاه کند، خداوند برای او حجی مقبول می‌نویسد.

در دنیا و آخرت رستگار می‌گردد.  
 معطوف

**نکته** گاهی جواب شرط به صورت جمله اسمیه یا فعل امر یا نهی یا نفی یا مستقبل می‌آید که در این صورت آوردن حرف «ف» در ابتدای جواب شرط الزامی است.

**نکته** انواع «مَنْ»:

| نوع «مَنْ»             | معنا         | جایگاه در جمله                                 | عملکرد  |
|------------------------|--------------|--|---|
| «مَنْ» شرطیه (جازمه)   | هر کس، هر که | ابتدای جمله                                    | بعد از آن فعل شرط و جواب شرط می‌آید و ظاهر و معنای آن دو را تغییر می‌دهد.           |
| «مَنْ» موصول (ربطی)    | کسی که، که   | معمولاً وسط جمله و گاهی در ابتدای جمله می‌آید. | برای عاقل (انسان) به کار می‌رود و معمولاً برای پیوند دو جمله به کار می‌رود.         |
| «مَنْ» استفهام (پرسشی) | چه کسی؟      | معمولاً در ابتدای جمله                         | بعد از آن معمولاً یک فعل (جمله) می‌آید. جمله را پرسشی می‌کند و آخر جمله «؟» می‌آید. |

البته ترجمه کردن «فت: پس» الزامی نیست!  
 مثال: مَنْ يَغْتَمِدْ عَلَى اللهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ.  
 ادرات شرط فعل شرط (مفارع)      جواب شرط (جملة اسمیه)  
 هر کس بر خداوند اعتماد کند پس او مؤمن است.

۱ - این مبحث، فراتر از کتاب درسی است.

مثال: «مَنْ» شرطیه:

مَنْ يَتَسَوَّكُلُ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

هر کس بر خداوند توکل کند او برایش کافی است.

مثال: «مَنْ» موصول:

لا تُعْتَمِدْ عَلَى مَنْ لَا يُصَلِّي: بر کسی که نماز نمی‌خواند اعتماد نکن.

مثال: «مَنْ» استفهام:

مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الإِصْطِفَافِ الصَّاحِي؟ چه کسی در صف صبحگاه صحبت می‌کند؟

تست عَيْنِ ما لیس فيه أسلوب الشرط: (تبریزی ۹۸)

۱) مَنْ يُحْسِنُ إِلَى النَّاسِ فَاللَّهُ يُجْزِيهِ عَلَى إِحْسَانِهِ!

۲) مَنْ يُعَامِلُ النَّاسَ بِالسُّوءِ لِيَنْظُرَ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِهِ.

۳) مَنْ يَلْتَزِمُ بَأَنْ يَكُونَ عَامِلاً بِمَا يَقُولُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ!

۴) مَنْ سَارَ فِي طَرِيقِ الْعِلْمِ لَا يَنْدَمُ وَإِنْ تَحَمَّلَ الْمَشَقَّةَ.

✓ پاسخ

گزینه «۲» اگر این عبارت شرطی می‌بود، فعل «لینظر» به عنوان جواب شرط باید با «ف» آغاز می‌شد.

ترجمه: کسی که با مردم به بدی رفتار می‌کند باید عاقبت کارش را ببیند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) مَنْ: ادات شرط - يُحْسِنُ: فعل شرط - فَاللَّهُ يُجْزِيهِ: جواب شرط

شرط (جمله اسمیه) و هرگاه جواب شرط جمله اسمیه باشد حرف «ف» قبل از جواب شرط می‌آید.

ترجمه: هر کس به مردم نیکی کند، خداوند جزای نیکی او را می‌دهد.

۳) مَنْ: ادات شرط - يَلْتَزِمُ: فعل شرط - فَهُوَ مُؤْمِنٌ: جواب شرط (جمله اسمیه).

هرگاه جواب شرط، جمله اسمیه باشد قبل از آن حرف «ف» می‌آید.

ترجمه: هر کس بایبند باشد که به آن چه می‌گوید عمل کند پس او مؤمن است.

۴) مَنْ: ادات شرط - سَارَ: فعل شرط - لَا يَنْدَمُ: جواب شرط

ترجمه: هر کس در مسیر علم حرکت کند پشیمان نمی‌شود، اگرچه سختی تحمل کند.

نکته ۵ انواع «ما»:

| نوع «ما»                | معنا               | جایگاه در جمله                         | عملکرد   |
|-------------------------|--------------------|--|--|
| «ما» شرطیه (جازمه)      | هر چه              | ابتدای جمله                            | بعد از آن فعل شرط و جواب شرط می‌آید و ظاهر و معنای آن دو را تغییر می‌دهد.              |
| «ما» موصول (ربطی)       | چیزی که، آن چه، که | معمولاً وسط جمله و گاهی در ابتدای جمله | برای غیر عاقل به کار می‌رود و معمولاً برای پیوند دو جمله به کار می‌رود.                |
| «ما» استفهام (پرسشی)    | چیست؟ چه چیزی؟     | معمولاً در ابتدای جمله                 | معمولاً بعد از آن یک فعل (جمله) می‌آید، جمله را پرسشی می‌کند و آخر جمله «؟» می‌آید.    |
| «ما» نافی               | منفی کردن          | قبل از فعل ماضی                        | فعل ماضی را منفی می‌کند البته گاهی بر سر فعل مضارع نیز می‌آید و آن را نیز منفی می‌کند. |
| «ما» تعجب (ما أَفْعَلُ) | چه ...!            | قبل از «أَفْعَلُ»                      | برای اظهار تعجب به کار می‌رود و به آن صیغه تعجب می‌گویند.                              |
| «ما» نافی (مِنْ ...)    | هیچ ... نیست       | معمولاً در ابتدای جمله اسمیه           | معمولاً در جملاتی که «إِلَّا (أداة) استثناء» دارند، می‌آید.                            |

مثال: «ما» شرطیه:

مَا تَقَدَّمُوا مِنْ خَيْرٍ يَغْلُمُهُ اللَّهُ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

هر چه از کار خیر پیش بفرستید خداوند آن را می‌داند.

مثال: «ما» موصول:

لا تَفْعَلْ مَا لَا تَعْلَمُ: آن چه (چیزی) را که نمی‌دانی انجام نده.

مثال: «ما» استفهام:

ما اسمُكَ الکریم؟ نام شریف تو چیست؟

مثال: «ما» نافی:

ما جاء أحدٌ إلى المدرسة إلا المدير: نیامد احدی به مدرسه مگر مدیر.

نکته غالباً «ما» نافی قبل از ماضی می‌آید، ولی گاهی قبل از مضارع نیز می‌آید.

مثال: ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ: خداوند نمی‌خواهد برای شما سختی قرار دهد.

مثال: «ما» نافی + مِنْ

ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرُسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ

الغرس: هیچ کس نیست که نهالی را بکارد، مگر این که خدا به اندازه آن چه

از ثمر (میوه) آن درخت بیرون آید، برایش پاداش بنویسد.

مثال: «ما» تعجب:

ما أَجْمَلُ مازندران و غاباتها: مازندران و جنگل‌هایش چه زیباست!

نکته عندي = لي = لَدَيْ: دارم ما عندي = ما لي = ما لَدَيْ: ندارم

لیس عندي = لیس لی = لیس لَدَيْ: ندارم کان عندي = کان لی = کان لَدَيْ: داشتم

می‌توان به جای ضمیر «ی» تمام ضمایر را قرار داد و معنای آن را تغییر داد.

نکته ۶ ادات شرط «مَنْ» و «مَا» و «إِذَا» اسم و «إِنْ» حرف می‌باشند و «أینما: هر جا» نیز جزء ادات شرط می‌باشند.

نکته ۷ «إِذَا»: هرگاه، اگر» جزء ادوات شرط است و غالباً بر سر فعل ماضی می‌آید و اگر به ندرت بر سر مضارع بیاید در ظاهر فعل شرط و جواب شرط تغییری ایجاد نمی‌کند (آن‌ها را مجزوم نمی‌کند).

مثال: إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط (ماضی) (ماضی)

هرگاه (اگر) عقل کامل شود سخن کم می‌شود.

### کارگاه ترجمه ۱۱

نکته ۸ در بخش قواعد گفته شد که ادوات شرط دو نوع تغییر در فعل شرط و جواب شرط ایجاد می‌کنند. با تغییر در ظاهر فعل آشنا شدیم، اما

مهم‌تر از تغییر ظاهر فعل، تغییراتی است که ادوات شرط در معنای فعل به وجود می‌آورند که در این جا به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱) اگر فعل شرط و جواب شرط هر دو مضارع باشند، فعل شرط را به صورت مضارع التزامی و جواب شرط را به صورت مضارع اخباری (ساده) ترجمه می‌کنیم.

مثال: إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

اگر از خداوند پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد.

مضارع التزامی مضارع اخباری

ب) اگر فعل شرط و جواب شرط ماضی باشند می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم یا این که هر دو را به صورت ماضی ترجمه کنیم، هر چند که در تست‌های کنکور ترجمه فعل شرط و جواب شرط به صورت مضارع بهتر است!

مثال: مَنْ صَبَرَ أَمَامَ الْمَشَاكِلِ ظَفَرَ فِي حَيَاتِهِ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط (ماضی) (ماضی)

ترجمه و مفهوم جمله‌های مهم ۱۱

﴿وَمَا مِنْ دَائِيَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أَمَمٌ أَمْثَلُكُمْ﴾: و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با بال‌هایش پرواز می‌کند، مگر آن که آن‌ها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند.

﴿تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ﴾: درباره آفرینش بیندیشید و درباره [ذات] خالق فکر نکنید.

﴿نَقَّازَ الْحَشَبِ طَائِرٌ يَنْقُرُ جِدْعَ الشَّجَرَةِ...﴾: دارکوب پرنده‌ای است که تنه درخت را نوک می‌زند.

﴿لَهُ عِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ...﴾: پرده خاصی مانند چتر دارد.

﴿مَنْ يَتَفَكَّرْ فِي خَلْقِ اللَّهِ يُشَاهِدْ قُدْرَةَ اللَّهِ﴾: هر کس در آفرینش خداوند فکر کند قدرت خداوند را می‌بیند.

**مفهوم** این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود/ هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

﴿إِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ﴾: هر گاه (اگر) پرنده‌ای روی آن بایستد آن را شکار می‌کند.

﴿مَنْ يَفَكَّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِباً﴾: هر کس قبل از سخن فکر کند غالباً از اشتباه در امان می‌ماند.

**مفهوم** سخن بی تأمل کم افتد صواب/ زبان را عنان از خطا بازتاب

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾: هر کس بر خداوند توکل کند او برایش کافی است.

**مفهوم** آن که ببندد او مستب را عیان/ کی نهد دل بر سبب‌های جهان

﴿وَمَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾: آن چه از خیر برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می‌یابید.

**مفهوم** بدخواه کسان هیچ به مقصد نرسد/ یک بد نکند تا به خودش صد نرسد

من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من/ تو نیک نبینی و به من بد نرسد

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾: اگر خداوند را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.

**مفهوم** هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد/ خدایش در همه حال از بلا نگه دارد

﴿وَإِذَا خَاطَبْتُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً﴾: هر گاه جاهلان آن‌ها را خطاب کنند، سخنی آرام می‌گویند.

**مفهوم** جواب ابلهان خاموشی است.

﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ﴾: و هر چه را از کار نیک انجام دهید، خدا آن را می‌داند (از آن آگاه است).

**مفهوم** آن خبیری که نشد غافل ز کار/ آن گرامی پادشاه و کردگار

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾: اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می‌کنید.

**مفهوم** چو نیکی کنی، نیکی آید برت/ بدی را بدی باشد اندر خورت

﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَاناً﴾: اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد.

**مفهوم** ألا مؤمنان اندر این تیره‌خاک/ هراسید اگر از خداوند پاک

خداوند فرقان دهد بر شما/ که چشم بصیرت نماید عطا

﴿مَنْ سَأَلَ فِي صَعْرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ﴾: هر کس در خردسالی‌اش بپرسد، در بزرگسالی‌اش جواب می‌دهد.

هر کس در برابر مشکلات **صبر کند**، در زندگی‌اش **پیروز می‌شود**. (ترجمه صحیح) مضارع التزامی مضارع اخباری

هر کس در برابر مشکلات **صبر کرد**، در زندگی‌اش **پیروز شد**. (ترجمه صحیح) ماضی ماضی

ترجمه یک هنر است، بنابراین باید زیباترین و بهترین ترجمه را انتخاب کرد. اگر جواب شرط جمله اسمیه یا فعل امر یا نهی باشد، آن‌ها را به همان شکل و بدون تغییر ترجمه می‌کنیم.

مثال: مَنْ يُطَالِعْ دَرُوسَهُ جَيِّدًا فَهُوَ يَجْتَهِدُ لِيَتَقَدَّمَ وَطَنِهِ.

ادارت شرط فعل شرط جواب شرط (جملة اسمیه)

هر کس درس‌هایش را خوب بخواند، او برای پیشرفت وطنش تلاش می‌کند.

**نکته ۲** در انواع «مَنْ» گفتیم که «مَنْ» شرطیه معمولاً به معنای «هر کس، هر که» می‌باشد، اما گاهی به معنی «کسی که، آن که» (یعنی به صورت اسم موصول) نیز ترجمه می‌شود. آن چه در جمله شرطیه معیار اصلی است وجود فعل شرط و جواب شرط است که یعنی جواب شرط، به وجود نمی‌آید مگر این که فعل شرط محقق شود؛ مثلاً در جمله «هر کس درس بخواند موفق می‌شود» موفقیت (جواب شرط) وابسته و مشروط به درس خواندن (فعل شرط) است.

**نکته ۳** اگر در تستی «مَنْ» شرطیه به صورت «هر کس، هر که» [ادات شرط] یا «کسی که، که» [اسم موصول] ترجمه شد ممکن است هر دو صحیح باشد پس به دنبال غلط‌های مهم‌تر و واضح‌تر بگردید.

این نکته درباره «ما» شرطیه نیز وجود دارد، یعنی «ما» شرطیه [هر چه] را می‌توانیم به صورت «چیزی که، آن چه» (به صورت اسم موصول) نیز ترجمه کنیم.

**تست عَيْنِ الْخَطَا:** (انسانی ۹۷- با تغییر)

﴿مَنْ شَاوَرَ الْعُقَلَاءَ فِي أَمْرِ فَقَدْ ائْتَفَقَ!﴾:

۱) هر کس در کاری با عقلا مشورت کند، پس سود برده است!

۲) کسی که در کاری با عقلا مشورت کرد سود برده است!

۳) کسی که در کاری با عقلا شور کند پس سود می‌برد!

۴) هر کس در کاری با عقلا مشورت می‌کند، پس سود می‌برد!

**✓ پاسخ گزینه ۴:** «مَنْ» شرطیه در هر چهار گزینه صحیح ترجمه شده است. اگرچه معنای اصلی «مَنْ» شرطیه «هر کس» است، ولی اگر آن را به صورت اسم موصول (کسی که) نیز ترجمه کنیم اشتباه نیست. پس به دنبال اشتباهات واضح‌تر و مهم‌تر می‌گردیم.

در گزینه (۴)، «شَاوَرَ» فعل شرط است و چون «ماضی» است می‌توانیم به دو صورت آن را ترجمه کنیم: مضارع التزامی (مشورت کند) یا ماضی (مشورت کرد)؛ اما در گزینه (۴) به اشتباه به صورت مضارع اخباری (مشورت می‌کند) ترجمه شده است.

**نکته ۳** اگر فعل شرط یا جواب شرط مجهول باشد نیز باید به صورت مضارع التزامی مجهول و مضارع اخباری مجهول ترجمه شود.

مثال: مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَتِهِ سُلطاناً.

ادارت شرط فعل شرط (مجهول) جواب شرط

هر کس مظلومانه کشته شود (کشته شد) قطعاً برای ولی او حق قصاص قرار دادیم.

مضارع التزامی ماضی مجهول مجهول

**نکته ۴** ترجمه «إِنْ: اگر، چنانچه، چون» به صورت «هر کس، هر چه، هر گاه، وقتی و ...» کاملاً غلط است، اما «إِذَا: هر گاه، وقتی و ...» اگر به صورت «اگر، چنانچه» ترجمه شود ایرادی ندارد.

● **مَنْ زَرَعَ الْغُدْوَانَ، حَصَدَ الْخُسْرَانَ:** هر کس دشمنی بکارد (کاشت) زیان درو می کند (درو کرد).

**مفهوم** هر چه کنی به خود کنی / گر همه نیک و بد کنی

● **مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ:** هر کس بسیار تلاش کند به هدفش می رسد.

**مفهوم** نابرده رنج گنج میسر نمی شود / مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد



## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

### النَّصُّ | الأوَّل

﴿فَرَأَى النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبَ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَابِسُ النَّصَّ:﴾  
 في مخلوقات ربِّنا الرِّحْمَنِ مظاهر من الجمال و المنفعة و الحكمة. تُشاهد أحياناً في وسط الصَّحراء مناطق فيها نباتات و أشجار، تُغذيها بمياه العيون المتعدّدة و الأبار (جمع بئر)، منها أشجار مُثمرة كالنَّخْل. و تُظهر أنواع كثيرة من الأزهار الجميلة في بعض المناطق الصَّحراوية بعد الأمطار السَّديدة، إلّا أنّها لا تدوم حياتها إلّا ٦ أو ٨ أسابيع، و توجد أيضاً بعض النباتات ذات الأوراق القليلة لكي لا تفقد من الماء بالتبخّر إلّا القليل منه! و بعض النباتات الصَّحراوية أصلها في باطن الأرض، في عمق أكثر من ٥٠ متراً، و بذلك تستطيع كلّها العيش مدّة طويلة من الزمن! و يُمكن زراعة المحصولات الزراعيّة في قسم من الصَّحراء خصوصاً أطرافها، بواسطة القنوات أو الأنابيب (لولها).

١٢٩٩- عَيِّن الخَطَأ:

- (١) إنّ الصَّحراء جافّة و لا عين فيها!  
 (٢) كلّ الأشجار تعيش و إن تكن لها أوراق قليلة!  
 (٣) الأشجار الّتي لها أوراق كثيرة تحتاج إلى ماء أكثر!  
 (٤) هناك بعض الأشجار في الصَّحراء أصلها في عمق الأرض!

١٣٠٠- عَيِّن الصَّحِيح:

- (١) لا فائدة لبعض الأشجار الصَّحراوية!  
 (٢) لا توجد في الصَّحراء أشجار لها أوراق كثيرة!  
 (٣) حياة الأشجار الصَّحراوية كلّها خارجة عن إرادة الإنسان!  
 (٤) لا بُدّ من الماء الّذي في باطن الأرض لحياة الأشجار الصَّحراوية!

١٣٠١- عَيِّن الخَطَأ: «إِنَّ الأشجار في الصَّحراء تعيش مدّة طويلة لأنّ.....!»

- (١) بعضها تشرب الماء من باطن الأرض حتّى في أقلّ من سبعين متراً!  
 (٢) الله تعالى يُنزل عليها المطر في أكثر الفصول!  
 (٣) أوراق بعضها قليلة فلا تحتاج إلى ماء كثير!  
 (٤) حياة بعضها بواسطة العيون و الأبار!

١٣٠٢- عَيِّن الخَطَأ: «يُمكن أن نحصل في الصَّحراء على.....!»

- (١) التّباتات النّافعة الّتي لها جمال!  
 (٢) الأشجار المثمرة بمساعدة العيون!  
 (٣) المحصولات الزراعيّة بواسطة القنوات أو الأنابيب!  
 (٤) الأزهار بسبب الأمطار الّتي دوامها ستّة أو ثمانية أسابيع!

● عَيِّن الصَّحِيح في الإعراب و التّحليل الصّرفي:

١٣٠٣- «تُشاهد»:

- (١) مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن «تفاعل») - مجهول / فعلٌ و الجملة فعليّة  
 (٢) مضارع - مزيد ثلاثي (حروفه الأصليّة: ش هـ د) - معلوم / فعلٌ و فاعله «مناطق»  
 (٣) فعل مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي (من وزن «فاعل») و مصدره «مفاعلة» / فعلٌ مجهول  
 (٤) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصليّة: ش هـ د) / فعلٌ و فاعله محذوف، و الجملة فعليّة

١٣٠٤- «تُظهر»:

- (١) فعل مضارع - للمخاطب - معلوم / فعلٌ و مع فاعله جملةً فعليّة  
 (٢) مضارع - للغائب - مجرّد ثلاثي (مصدره: ظُهور) / فاعله «الأزهار»  
 (٣) مضارع - للغائب - مجرّد ثلاثي / فعلٌ و فاعله «أنواع» و الجملة فعليّة  
 (٤) فعل مضارع - للمخاطب - مجرّد ثلاثي (مصدره: إظهار) / فعلٌ و فاعله «أنواع»

١٣٠٥- «مُثمرة»:

- (١) مفرد مؤنث - اسم فاعل (فعله: ثمر) / صفة للموصوف «أشجار»  
 (٢) اسم - مؤنث - اسم فاعل (مصدره: إثمار) / صفة للموصوف «النخل»  
 (٣) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (مصدره: إثمار) / صفة للموصوف «أشجار»  
 (٤) مفرد مؤنث - معرفة (علم) - اسم فاعل (فعله: أثمر) / صفة، و الموصوف: أشجار

«در میان آفریده‌های پروردگار بخشنده‌ی ما، جلوه‌هایی از زیبایی و سودمندی و حکمت وجود دارد. گاهی در وسط صحرا، مناطقی دیده می‌شود که در آن گیاهان و درختانی وجود دارد.

تغذیه‌ی آن‌ها به وسیله‌ی آب‌های چشمه‌های متعدد و چاه‌ها است. یکی از آن‌ها، درختان میوه‌دار مانند نخل است.

و انواع بسیاری از گل‌های زیبا در برخی مناطق صحرایی پس از باران‌های شدید ظاهر می‌شود، اما آن‌ها زندگی‌شان فقط ۶ تا ۸ هفته ادامه می‌یابد و همچنین برخی گیاهان دارای برگ‌های کم یافت می‌شود تا تنها بخش کمی از آب را با تبخیر از دست بدهد.

و برخی گیاهان صحرایی، ریشه‌شان درون زمین در عمقی بیشتر از ۵۰ متر است، و به واسطه‌ی آن همگی می‌توانند مدت طولانی از زمان زندگی کنند! کشت محصولات کشاورزی در قسمتی از صحرا خصوصاً اطراف آن به واسطه‌ی قنات‌ها یا لوله‌ها ممکن است.

۱۲۹۹- **گزینه ۱** خطایابی: ترجمه‌گزینه‌ها: ۱ قطعاً صحرا خشک است و هیچ چشمه‌ای در آن نیست! ۲ همه‌ی درختان زندگی می‌کنند اگرچه برگ‌های کمی داشته باشند! ۳ درختانی که برگ‌های زیادی دارند، به آب بیشتری نیاز دارند! ۴ برخی درختان در صحرا وجود دارد که ریشه‌شان در عمق زمین است!

۱۳۰۰- **گزینه ۴** صحیح‌یابی: ترجمه‌گزینه‌ها: ۱ برخی درختان صحرایی هیچ فایده‌ای ندارند! ۲ در صحرا درختانی دارای برگ‌های زیاد یافت نمی‌شود! ۳ زندگی همه‌ی درختان صحرایی از اراده‌ی انسان خارج است! ۴ برای زندگی درختان صحرایی، چاره‌ای جز آبی که در درون زمین وجود دارد، نیست!

۱۳۰۱- **گزینه ۲** خطایابی: قطعاً درختان در صحرا مدتی طولانی زندگی می‌کنند؛ زیرا .....

ترجمه‌گزینه‌ها: ۱ برخی از آن‌ها از درون زمین آب می‌نوشند حتی در عمقی کم‌تر از هفتاد متر! ۲ خداوند متعال در اکثر فصل‌ها بر آن‌ها باران نازل می‌کند! ۳ برگ‌های برخی از آن‌ها کم است پس به آب زیاد نیاز ندارند! ۴ زندگی برخی از آن‌ها به واسطه‌ی چشمه‌ها و چاه است!

۱۳۰۲- **گزینه ۴** خطایابی: می‌توانیم در صحرا به ..... دست یابیم.

ترجمه‌گزینه‌ها: ۱ گیاهان سودمندی که زیبایی دارند! ۲ درختان میوه‌دار با کمک چشمه‌ها! ۳ محصولات کشاورزی به واسطه‌ی قنات‌ها یا لوله‌ها! ۴ گل‌ها به سبب باران‌هایی که دوام آن‌ها شش یا هشت هفته است!

۱۳۰۳- **گزینه ۴** «تَشَاهَدٌ»: فعل مضارع، صیغة للغائبة، مجهول، مزید ثلاثی من باب مُفَاعَلَة (حروفه الأصلية: شهد، مصدره: مُشَاهَدَة) - فعلٌ و نائب فاعل «مناطق»

۱۳۰۴- **گزینه ۳** «تَطَهَّرَ»: فعل مضارع، صیغة للغائبة، معلوم، مجرد ثلاثی (مصدره: ظهرو) - فعلٌ و فاعله «أنواع»

۱۳۰۵- **گزینه ۳** «مُثْمِرَةٌ»: اسم، مفرد، مؤنث، اسم الفاعل من المزدید الثلاثی باب إفعال (مصدره: إثمار، معرب - صفة للموصوف «أشجار»

# واژه‌نامه

## دهم

### || درس اول ||

**أَخْرَجَ:** دیگر (اسم)  
**أَرَادَ:** فرومایگان (اسم)  
**أَفْضَلُ:** شایستگان (اسم)  
**أَنْجَمَ:** ستارگان (اسم)  
**أَنْ أَسَافِرَ:** که سفر کنم (حرف ناصبه + مضارع «س فر»)  
**أَنْزَلَ:** نازل کرد (ماضی، باب افعال، «ن ز ل»)  
**أَنْعَمَ:** نعمت‌ها (اسم)  
**أَوْجَدَ:** پدید آورد (ماضی، باب افعال، «و ج د»)  
**إِلَى اللَّقَاءِ:** به امید دیدار (حرف جرّ + اسم)  
**إِنْجَحْتُ:** جست‌وجو کن (امر، «ب ح ث»)  
**إِغْبِرَارًا:** تیره‌رنگی، غبارآلودگی (اسم)  
**بَالِغًا:** کامل (اسم)  
**تَعَارَفَ:** آشنایی با یکدیگر (مصدر، باب تفاعل)  
**جَدَّوًا:** پاره آتش (اسم)  
**جَهَّزَ:** مجهز کرد (ماضی، باب تفعیل، «ج ه ز»)  
**حِوَارًا:** گفت‌وگو (اسم)  
**خَصِيْرَةً:** سرسبز (اسم)  
**خُسْرَانًا:** زیان (اسم)  
**دُرَرًا:** مرواریدها (اسم)  
**ذَا:** این (اسم اشاره)  
**ذات:** دارای، صاحب (اسم)  
**ذَاكَ:** آن (اسم اشاره)  
**ذو:** دارای، صاحب (اسم)  
**زَانًا:** زینت داد (ماضی، «ز ان»)  
**شَرَّرَةً:** اخگر، پاره آتش (اسم)  
**شَقَّقَ:** شکافت (ماضی، «ش ق ق»)  
**صَوْمًا:** روزه (اسم)  
**صَبَّرَ:** گردانید (ماضی، باب تفعیل، «ص ی ر»)  
**صِدْقِ الْخَدِيثِ:** راست‌گفتاری (ترکیب اضافی)  
**صَعَّ:** قرار بده (امر، «و ض ع»)  
**ضِيَاءًا:** روشنایی (اسم)  
**عَدُوَانًا:** دشمنی (اسم)  
**عَمِيمًا:** ابر (اسم)  
**عُصُونًا:** شاخه‌ها (اسم)  
**فَرِيضَةً:** واجب دینی (اسم)  
**قَاعًا:** سالن (اسم)

**قُلَّ:** بگو (امر، «ق و ل»)  
**مَرَّ:** مرد، انسان (اسم)  
**مَسْمُوحًا:** مجاز (اسم)  
**مَطَارًا:** فرودگاه (اسم)  
**مَعَ الْأَسْفِ:** متأسفانه (اسم)  
**مُسْتَعْرَةً:** فروزان (اسم)  
**مُسْتَعِينًا بِ:** با استفاده از (اسم + حرف جرّ)  
**مُفْتَكِرَةً:** اندیشمند (اسم)  
**مُقْتَدِرًا:** نیرومند، توانا (اسم)  
**مُنْهَمِرَةً:** ریزان (اسم)  
**مَوْظَفًا:** کارمند (اسم)  
**نَصِيرَةً:** تر و تازه (اسم)  
**نَمَتْ:** رشد کرد (ماضی، مؤنث «نما»)  
**يَدُورًا:** می‌چرخد (مضارع، «د و ر»)  
**يَخْرُجُ:** درمی‌آورد (مضارع، باب افعال، «خ ر ج»)

### || درس دوم ||

**أَغْلَقَ:** بست (ماضی، باب افعال، «غ ل ق»)  
**أَحْسَنْتَ:** آفرین بر تو (ماضی، مؤنث، باب افعال، «ح س ن»)  
**أَحْبَرَ:** خبر داد (ماضی، باب افعال، «خ ب ر»)  
**أَطْفَأَ:** خاموش کرد (ماضی، باب افعال، «ط ف أ»)  
**أَعْمَدَةً:** ستون‌ها (اسم)  
**أَنْ يَفْرَغَ:** که خالی شود (حرف ناصبه + مضارع، «ف ر غ»)  
**إِصْطِفَافَ صَبَاحِي:** صف صبحگاه (ترکیب وصفی)  
**إِقْتِرَاحًا:** پیشنهاد (مصدر، باب افتعال، «ق ر ح»)  
**بَضَائِعًا:** کالاها (اسم)  
**بَهَائِمًا:** چارپایان (اسم)  
**بِقَاعًا:** قطعه‌های زمین (اسم)  
**تَالِيًا:** بعد، دنباله (اسم)  
**تَحَفُّظًا:** نگاه‌داری کن (امر، باب تفعّل، «ح ف ط»)  
**جَاءَ بِ:** آورد (ماضی + حرف جرّ، «ج ی ء»)  
**حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ:** شیر آب (ترکیب وصفی)  
**حَجْرَاتًا:** اتاق‌ها (اسم)  
**حُرًّا:** آزاد، آزاده (اسم)  
**حِصَّةً:** زنگ درسی، قسمت (اسم)  
**حِفَافًا عَلَيَّ:** نگاه‌داری از (اسم + حرف جرّ)  
**دَوَامَ مَدْرَسِي:** ساعت کار مدرسه (ترکیب وصفی)  
**دَوْرَةَ الْمِيَاهِ:** سرویس بهداشتی (ترکیب اضافی)  
**رَصِيفًا:** پیاده‌رو (اسم)

**زَائِدًا:** به علاوه (اسم)  
**سَائِحًا:** گردشگر (اسم)  
**سَمَاعًا:** شنیدن (مصدر)  
**شَعْبًا:** ملت (اسم)  
**ضَرَبَ فِي:** (فی): ضربدر (اسم + حرف جرّ)  
**عِنْدِي:** در این هنگام (اسم)  
**قَامَ:** برخاست (ماضی، «ق و م»)  
**لَبِثَ:** درنگ کرد (ماضی، «ل ب ث»)  
**مَا أَجْمَلُ:** چه زیبا است! (ساختار تعجب)  
**مَرَاقِقَ عَامَّةً:** تأسیسات عمومی (اسم)  
**مَسَاءَ الْخَيْرِ:** شب به خیر (ترکیب اضافی)  
**مَتَحَفًا:** موزه (اسم)  
**مُسْتَوْصَفًا:** درمانگاه (اسم)  
**مُسْتَشْفَى:** بیمارستان (اسم)  
**مُعَلَّقًا:** بسته‌شده (اسم)  
**مُؤَاتِنًا:** شهروند، هم‌میهن (اسم)  
**مُكَيِّفَ الْهَوَاءِ:** کولر (ترکیب وصفی)  
**مِضْيَافًا:** مهمان‌دوست (اسم)  
**نَاقِصًا:** منهای (اسم)  
**نَشَاطًا:** فعالیت (اسم)  
**نَمَلَةً:** مورچه (اسم)  
**نُفَاقَةً:** زبانه (اسم)  
**هَاتِفًا:** تلفن (اسم)  
**يَتَعَاوَنُ:** همکاری می‌کند (مضارع، باب تفاعل، «ع و ن»)  
**يَرْمِي:** پرت می‌کند (مضارع، «ر م ی»)  
**يَفُوقُ:** برتری می‌یابد (مضارع، «ف و ق»)  
**يَمْتَلِكُ:** مالک می‌شود (مضارع، باب افتعال، «م ل ک»)  
**يَنْتَفِعُ:** سود می‌برد (مضارع، باب افتعال، «ن ف ع»)  
**يَنْصَحُ:** پند می‌دهد (مضارع، «ن ص ح»)  
**يُحَافِظُ:** نگاه‌داری می‌کند (مضارع، باب مفاعلة، «ح ف ظ»)  
**يُسَاوِي:** مساوی است با، (مضارع، باب مفاعلة، «س و ی»)  
**يُمَارِسُ:** انجام می‌دهد، تمرین می‌کند (مضارع، باب مفاعلة، «م ر س»)

### || درس سوم ||

**أَمْرِيكَا الْوَسْطِي:** آمریکای مرکزی (ترکیب وصفی)  
**أَنْ يَرَى:** که ببیند (حرف + فعل)